

# نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال نهم  
اول اسفند ۱۳۷۱ - شماره ۹۳

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

۲

## پایداری مقاومت و تقویت جبهه سرنگونی

یک سال قبل و در آستانه انتخابات چهارم دوره مجلس ارتجاع، بخشی از نیروهای موسوم به خط امام کوشیدند تا پای منتظری را به سان یک شمشیر در آن موقع جریان موسوم به خط امام در موضع کاملاً ندادنی قرار داشت، و با وجود اینکه سالها از سرکوب آزادی محسوسا پشتیبانی کرده بود، مسأله آزادی و دموکراسی را به میان آورد. در آن موقع بخشی از نیروهای موسوم به خط امام مطرح می کردند که حکومت بدون آرا، مشروعیت ندارد و مشروعیت نداشته و اساس حکومت باید منکی "جمهوریت" باشد. اینان در جدال با کسانی که اصل حکومت را بر "اسلامیت" آن می دانستند، بدست آوردن می کردند که حکومت اسلامی بدون تکیه بر آرا، مردم فاقد مشروعیت است و از این زاویه ولایت فقیه و سه ویژه شخص آخوند خامنه ای را به زیر سوال می بردند. در واقع پس از مرگ خمینی، بخشی از هواداران او، خامنه ای را شایسته ولی فقیه نمی دانستند و در تلاش های سیاسی خود، بنحوی این مسأله را سرور می دادند. ملاقات تعدادی از نمایندگان مجلس موسوم با آقای منتظری و مجادلات بعد از آن که معلوم شد تعداد کثیری از نمایندگان مجلس سوم از او متنفرند می کنند. رنگ خطر برای خامنه ای که هر روز جای پای خود را محکم تر می کرد، بود. در آن موقع این به منتظری.

در صفحه ۲

## شرکت هیأت مقاومت ایران در مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید آمریکا

دیدار با مقامات دولت جدید آمریکا

هیأت مقاومت ایران به سرپرستی آقای محمد عبدالمجید مسئول روابط بین المللی مجاهدین و عضو شورای ملی مقاومت در مراسم تحلیف و آتشبار ریاست جمهوری بیل کلینتون رئیس جمهور جدید آمریکا شرکت کرد. همچنین این هیأت با آقای لسی کلینتون رئیس کمیته خارجی کنگره آمریکا دیدار و درباره شرایط داخلی ایران، نقض حقوق بشر توسط رژیم اخوندی و ۲۰۰۰ نفر گفتگو و تبادل نظر پرداخت. آقای محمد عبدالمجید همراه با خانم دولت نوروزی عضو شورای ملی مقاومت ایران و آقای علیرضا جعفری راه سخنگوی مطبوعاتی مجاهدین در آمریکا با سانسور شلی از اعضای مجلس سنا آمریکا دیدار نمود و پیرامون مسائل جامعه ایران گفتگو و تبادل نظر نمود. هیأت مقاومت ایران همچنین با آقای رابرت سورجی رئیس سوکمیسیون خارجی کنگره آمریکا دیدار و گفتگو نمود. این هیأت در جلساتی که به مناسبت آغاز دوران ریاست جمهوری آقای بیل کلینتون سرگزار شده بود شرکت نمود و با شمار زیادی از مقامات دولت جدید آمریکا و شخصیت های سیاسی، نمایندگان کنگره و سنا آمریکا دیدار و گفتگو نمود.

سید ، زلزله، تصادم قطار و هواپیما و ۱۰۰۰۰۰ متها نبرد از هم میهنان ما در این حوادث جان خود را از دست دادند. اما رژیم خمینی بدون توجه به این رویدادها که خود مسئول اول آنست به برگزاری مراسم تجلیل از حکومت ارتجاعی اش پرداخت. مادر گذشت هموطنان ما در این حوادث را به خانواده های آنان تسلیم می گوئیم.

به نقل از نشریه شورا شماره ۲ - دوره دوم

به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن

## مبارزه زنان برای برابری

\* بدون تغییر در فرهنگ عقبافتاده یا عناصر عقبافتاده فرهنگی در جامعه پیشرفته، نمی توان به طور قطعی و نهایی بر تبعیض جنسی غلبه کرد

\* شرکت هرچه بیشتر زنان در مبارزه سیاسی و کوشش آنان برای بروز استعدادهای خود و قبول مسئولیتهای هرچه بیشتر، شرایط را برای رفع تبعیض در مورد زنان هرچه بیشتر فراهم می آورد

مختلف، از نظر حقوقی با مردان برابرند. جنبش زنان به ویژه طی دهه گذشته در نقاط مختلف جهان رشد و گسترش یافته است. با این حال در جوامع امروزی نیز آن چنان مسائل حادی در مورد نقش و موقعیت زنان مطرح است که به جرات می توان گفت مسأله زنان یکی از مسائل حاد جامعه امروزی به شمار می رود.

در صفحه ۷

از هنگامی که ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن تعیین شد، تا امروز جنبش زنان برای رفع تبعیض جنسی برابری کامل با مردان دستاوردهای بسیاری داشته است. سیمای زن در جهان امروز با سیمایی که در ابتدای قرن داشت به کلی متفاوت است. هم چنین موقعیت زنان در مقایسه با دو قرن گذشته اساساً دگرگون شده است. زنان امروز در بسیاری از نقاط جهان، در رده های

گرامی باد خاطره

## فدایی شهید منصور حبیبی زاده

در صفحه ۵

## چهارمین سالگرد فتوای قتل سلمان رشدی

۲۵ بهمن امسال، چهارمین سالگرد اعلام فتوای قتل سلمان رشدی از طرف خمینی بود. محافل مترقی جهان بدین مناسبت عکسهای بزرگساز به یادبودی رژیم آخوندها به این نوا، اعلام اعتراض نمودند. از مدتها قبل سلمان رشدی حرکت های جدیدی علیه رژیم خمینی و برای لغو فتوای قتلش آغاز کرده است. به دنبال این فعالیت ها روز ۱۵ بهمن امسال، وزارت امور خارجه انگلیس با نشریات رسمی از سلمان رشدی در وزارت امور خارجه استقبال نمود و سلمان رشدی با داگلاس هرد ملاقات نمود. خبر این ملاقات در رسانه های

در صفحه ۴

## پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ترور مجاهد قهرمان علی اکبر قربانی

در صفحه ۲

## گزارش مراسم بزرگداشت شهید علی اکبر قربانی در پاریس

روز ۲۰ بهمن امسال نزدیک به ۱۰۰۰ تن از هم وطن ایرانی و نخست های فرانسوی و اروپایی برای ادای احترام به بیکرمجاهد قهرمان علی اکبر قربانی که ۸ ماه قبل توسط تروریست های رژیم اخوندی در ترکیه زود شده و پس از ۶ ماه شکنجه به شهادت رسید، در یک راهپیمایی در پاریس شرکت

در صفحه ۵

## در این شماره:

\* ترور روزنامه نگار ترک

\* استرداد تروریست های رژیم

\* دستگیری تروریست های رژیم

\* اخبار مقاومت

- سو، استفاده رژیم از شرایط

عراق علیه مجاهدین

- افزایش تعداد زندان ها

- اعتراف رژیم به ترورها

\* مطبوعات خارجی

- "من قهرمان نیستم"

\* برخی از رویدادهای تاریخی

\* شهدای فدایی

بلکه آن دسته از نمایندگان مجلس که با او ملاقات کردند، مورد حمله طرفداران خامنه‌ای قرار گرفتند. تحولات یک سال گذشته در اوضاع سیاسی کشور تغییرات بسیاری بوجود آورده است. در یک سال قبل محاسبات غلط در مورد رفسنجانی توهم پیرامون او در نقطه ماکزیمم قرار داشت. جنبش گسترده شهراهنوز صورت نگرفته بود و سواستی اقتصادی رژیم هنوز به میزان کنونی بر ملا نشده بود. هنوز بسیاری از محافل بین المللی به رفسنجانی امیدوار بودند و فکر می‌کردند که رفسنجانی به پایان کار مجلس سوم ارتجاع آغازی از گشایش در جامعه ایران خواهد بود. آنان که کینه گشاده‌ای برای جمع آوری نتایج انتخابات مجلس در خارج از کشور دوخته بودند، فکری کردند که حمله به ملاقات کنندگان با آقای منتظری. فقط بخاطر اینست که رفسنجانی می‌خواهد تندروهای موسوم به خط امام را برای خود شان بنشانند و فضای ایرانی فاسد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی "باز" کنند. در همان موقع در شهران شایع بود که منتظری گفته است پس از انتخابات مجلس چهارم وضع بدتر از این خواهد شد و فساد که سرپای حکومت را فرا گرفته گسترده‌تر خواهد شد. روزهای بهار و تابستان امسال، سرکشی بسیاری از رویاهای دوران واقعیت را نقش بر آب کرد. فرصت طلبانی که به انتظار معجزه "رفسنجانی" به محیرگی از او می‌پرداختند، بکاره باحوادثی کاملاً غیر مترقبه و دوران انتظارشان رو بر رو شدند. شهرهای ایران یکی پس از دیگری به جنبش درآمدند. فریاد مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر رفسنجانی در هر گوشه از مین بلادیده مابلند شد، رنگ خطر برای ارتجاع به صدا در آمد و تهران در آستانه تورش قرار گرفت. حرکات اجتماعی در گوشه و کنار شهر تهران، میرفت تابه یک موج گسترده تبدیل شود و بعد از جنبش مردم مشهد، همه در انتظار حرکت مردم تهران بودند. خامنه‌ای در اینجای پایه میدان گذاشت و جنجال ارتجانی " امرسه معروف ونهی از منکر" راه راه انداخت. مردم از هر طرف مورد تعرض قرار گرفتند. دست آوردهای فرهنگی مردم که در مبارزه روزمره کسب شده بود، مورد تعرض ارتجاع قرار گرفت. آنان که فضای "باز" را انتظار می‌کشیدند، با مشاهده رویدادهایی که جریان داشت به گوشه‌ای خزیدند و م فریستند. آن فضای "باز"ی که فرصت طلبان انتظار آنرا می‌کشیدند به وجود نیامد، اما رژیم هم نتوانست مثل گذشته حکومت کند. هم جنبش اعتراضی مردم وهم تاثرات این جنبش اعتراضی در تشدید تضادهای درونی حکومت، سبب آن شد که رژیم با تمام بسیج ارتجانی اش نتواند مردم را ساکت کند. مردم این بار خواسته‌های خود را با صدای بلند در کوچه و بازار مطرح می‌کنند. کسانی که محاسبه با مردم از برنامه روز ۲۲ بهمن را دیوبنی می‌کوش کرده‌اند، بخوبی دریگ می‌کنند که در روحيات مردم تغییرات بسیار در مخالفت و ستیز با دستگاه حکومتی به وجود آمده است. یک زن به مخبر بی بی می‌گوید: " زن در هر کشوری باید آزادی داشته باشد. اما منافسانه در اینجا همچنین کلمه‌ای اصلاً مصداق پیدا نمی‌کند برای ما " یک زن دیگر به رادیوبی بی بی می‌گوید: " مسئله حجاب و اجباری بودنش که اجبار می‌کنند، ولی بهر صورت بطور کلی فکل های خام سا

میرند. موضوعی آقاي منتظری در رابطه با کشتن و سیخ زندانیان سیاسی، خشم و نفرت خمینی و مرتجعین حاکم را برانگیخت. امروز مرتجعین حاکم در مقابل ما با منتظری با هم پای خمینی راه میان می‌کنند تا با هم او باش حرب الیپی راسخ نمایند. ما به خامنه‌ای به تهدید منتظری پرداخته و خاسه او را محظوره نموده، بعضی از اعضای دفتر او را دستگیر نمودند و روزنامه جمهوری اسلامی به شدت ترس وجه به منتظری حمله کرده است و او را تهدید به قتل از طریق امت همیشه در صحنه نموده است. رژیم نمی‌تواند فعالیت سیاسی منتظری را تحمل کند. اما قدر نیست سادگی هم جلوی تحریکات او و طرفدارانش را بگیرد. شکست خط استخاله و سایرهای ریاکارانه رفسنجانی، خط مشی سرگویی رژیم را در بین توده‌های مردم اجتنای می‌کند و اس غیرسیاست گرایش هر چه بیشتر افراد محنت که حرکت سوسیوی مورد سرکوب رژیم قرار گرفته‌اند به سمت مبارزه برای سرنگونی رژیم خواهد شد. اس از سطح پائین‌داری و استقرار مفاهیم عادلانه مردم ایران بر اساس ویرسب هاست.

میرنده " یک خانم دیگر می‌گوید: " ۹۰ درصد از مسن برنامه‌های رادو تلویزیون مورد تأیید مردم ایران نیست. تالی الخیوض جوانهای ایران که نیاز مبرمی بهر حال به تحریکات سالم دارند " یک مرد به مخبر بی بی می‌گوید: " چه استقلالی؟ آقا شما ترو خونه‌ات استقلال نداری، تو خیابون که سهله حرفهای با هم بشتر و جالب تری به مخبر بی بی می‌گفته می‌شود که شن می‌دهد مردم علنا رژیم را زیر سوال می‌برند و این بهترین تعبیر در شرایط اجتماعسی ایران است. بریدم جان به لب آمده، سخ امیدیه به سران حکومت دارند. همه از فساد سران حکومتی حرف می‌زنند و خواست سرنگونی حکومت، در مردم رشد می‌کند و هر چه بیشتر به صورت یک چشم انداز قابل تحقق در بی آید. شرایط بین المللی جدید که پس از احداث چند امریکا به وجود آمده، تمام اس شرایط را علیه رژیم تشدید می‌کند. هیچکس حاضر نیست که بگردد و علناً در کنار حکومت قرار بگیرد. در جنبش نریخی آقاي منتظری که پس از موضع گیری در مقابل کشتن سرگرد نایسان ۱۳۶۷ از حکومت طرد شد، تابه صدای بی‌گدارد و از فساد دستگاه حکومتی حرف



پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
به مناسبت تروز مجاهد قهرمان علی اکبر قربانی  
به دست تروریست های رژیم خمینی در ترکیه

هم مینان مبارز

دارودسته جنایتکار خامنه‌ای - رفسنجانی در ادامه سیاست های سرکوبگرانه در داخل و اقدامات تروریستی خود در خارج از کشور، در تاریخ ۱۴ خرداد ۷۱ مجاهد خلق علی اکبر قربانی را در ترکیه رسوده و حدود ۶ ماه بعد پس از شکنجه وحشیانه این مجاهد قهرمان، او را بطرز وحشیانه به شهادت رساندند. بدنیال کشف شبکه‌های تروریستی رژیم ملاحه‌ترکیه، چند مثله شده این شهید قهرمان در اطراف استانبول پیدا شد. این اقدام تروریستی رژیم، همچون اقدامات تروریستی دیگر آن در فرانسه، سوئیس، آلمان، اطریش، عراق و ترکیه، موجی از تنفروانزجار در سراسر جهان برانگیختند است. رژیم در اوج بحران وین بست و بنابر ماهیت ارتجانی و تروریستی خود، به اقدامات تروریستی در خارج از مرزهای کشور می‌پردازد. اقدامات تروریستی رژیم مخصوص طی چهار سال اخیر که دارودسته خامنه‌ای - رفسنجانی قدرت را در دست دارند، بنحو چشمگیری افزایش یافته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، ترور و وحشیانه مجاهد قهرمان علی اکبر قربانی را شهید محکوم نموده و خواستار برخورد قاطع دولتها و مجامع بین المللی با رژیم ترورست حاکم بر ایران می‌باشد. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ایمان دارد که رژیم آخوندی حاکم بر مین ما، بدست رزمندگان دلیر مقاومت انقلابی و با حمایت قاطع مردم ایران سرنگون خواهد شد و صلح و آزادی در مین ماستقر خواهد شد. اقدامات تروریستی دارودسته خامنه‌ای - رفسنجانی نمی‌تواند هیچگونه خللی در مبارزه برای سرنگونی رژیم و ولایت فقیه و تحقق دموکراسی، آزادی و حکومت مردمی ایجاد نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بیاد و خاطره مجاهد قهرمان علی اکبر قربانی را گرامی می‌دارد و به ادامه دهندگان راه این رزمنده دلیر راه آزادی درود می‌فرستد.

مرگ بردار و دسته جنایتکار خامنه‌ای - رفسنجانی  
زنده باد صلح و آزادی

مرزی) مانند بمباران يك فراگاه ارتش آزادبیکسخت ملی ایران در ۵ آوریل ۱۹۹۲ با ۱۳ فانتوم) و بمب گذاری اخیر در داخل يك اتوبوس شهری در حومه شمالی بغداد و به رکنار بستن مجاهد خلق غلامحسین کاظمی (در منطقه مرزی مندلی) خمایش ماهوی و تغییر بنام این دیکتاتوری قرون وسطایی است که برای ادامه حکومت خود چاره و راه حل دیگری ندارد. دامنه سرورسم و حتی و اسارت کسختن این رژیم از شهروندان ایرانی با سفر اتررنه و نویسندگان ترك و مصری و هم چینی نویسنده انگلیسی و مترجمان کتاب اودر ژانسن و اسانیا و دبیلماها و شهروندان سعودی و عراقی و فرانسوی و امریکایی را هم دربر گرفته است.

### اعتراف رژیم خمینی به جنایات تروریستی

دیکتاتوری تروریستی مذهبی ملایان امروز سه حده عوامش علیه يك واحد ارتش آزادبیکسخت در داخل خاک عراق و اندجار يك اتوبوس در شمال بغداد اعتراف نمود.

رژیم ملایان که از اخبار را بطور تحریف شده ای از بلویرون خودبیکسخت نمود، بدون اسکه مسئولیت این اقدامات تروریستی را تکدیب کند، گفت: "مجاهدین ضعیف و اطلاعاتی این عظیمات را به چهره سوزی اسلامی ایران بست داده است."

ناریدیف کردن يك سری توطئه های تروریستی و سلفیاتی که از دو هفته پیش توسط مردوران محلی رژیم و دبیلما - تروریست های ملایان در بغداد صورت گرفته است، سردمداران رژیم خمینی نقش جنایتکارانه و مردورانه خویش در هدایت و هماهنگی این توطئه ها که بنامش طی روزهای ۱۲، ۱۴، ۱۸ و ۲۶ ژانویه از سوی دفتر مجاهدین انشا، گردیده بود را به نمایش گذاشت.

در عین حال رژیم ملایان به بزرگ شمایی و دروغ پردازی برابون سلسله توطئه های تروریستی شکست خورده اش در داخل خاک عراق پرداخته است:

۱- رژیم خمینی مدعی گردیده است که ۲۰ مجاهد در جریان حمله به يك اتوبوس در روز ۲۱ ژانویه کشته شده اند. حال آنکه در ۲۱ ژانویه هیچ حمله ای علیه مجاهدین صورت نگرفته است، بلکه عوامل سفارت رژیم خمینی در روز ۲۶ ژانویه بمبی در يك اتوبوس شهری که صاحب آن يك راننده عراقی بود و مجاهدین از آن استفاده می کردند منفجر نمودند که خسارات مالی سار آورده ولی هیچگونه خسارت جانی دربر نداشت.

۲- رژیم مدعی شده است که در ۱۱ ژانویه در یکی از جاده های فرعی منطقه امام و پس در عراق چهار مجاهد کشته و هفت تن دیگر زخمی شده اند. این خبر نیز دروغ است. پاسداران رژیم در روز ۱۱ ژانویه با عبور از سرور در عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق به يك خودرو ارتش آزادبیکسخت ملی ایران حمله نمودند که منجر به کشته شدن يك زن منده بنام غلامحسین کاظمی و مجروح شدن دوش دیگر گردید.

۳- رژیم خمینی همچنین به تکرار اباطیلی که از سوی رادیو "اتحادیه میهنی کردستان عراق" و یک گروه موهوم بنام "کردهای آزاد عراق" مبنی بر انفجار يك مقر موهوم مجاهدین در کرکوک و اقدام مجاهدین به جلوگیری از کمپهای غذایی و دارویی به اکراد عراق پرداخته است که میبایست این توطئه ها توسط مجاهدین افشا گردیده است.

مجاهدین و نیروهای ارتش آزادبیکسخت ملی ایران در مناطق مرزی شده است.

۴۰۰۰ در "ستاد فرماندهی امور عراق" همچنین از ضرورت روی کار آوردن "الترناتیبو شعبی دست بخت رژیم خمینی در جنوب عراق و ضرورت میرم ضربه زدن به مجاهدین به هر قیمت بطور مبسوط گفتگو شده است. به اعتقاد خامنه ای و فرسنگانی "بایستی بر غربی ها و سعودی هایپشتی گرفت و در يك حرکت سریع و هماهنگ با برخی گروه های عراقی به سرنگونی حکومت عراق منادرت ورزید و در همین چهار چوب، مسئله حذف مجاهدین را هم حل نمود." آ خودمدار خمین رابطه سران برخی از گروه های کرد عراقی را بدین فرقه و به آنها وعده "همه گونه کمک های تدارکاتی و تسلیحاتی" داده و بخصوص خواهان اقدام فوری علیه مجاهدین شده اند.

### رئیسجانی دستور افزایش تعداد زندانها را می دهد

بر اساس طرحی که مورد توافق رئیسجانی قرار گرفته است رژیم ملایان درصدد گسترش تعداد زندانها و افزایش تعداد زندانسان و شکنجه گران می باشد. این تصمیم به دنبال گسترش بی سابقه دستگیری های خمینی که درواکش رژیم به تظاهرات اعتراضات و اعتراضات سراسری ضد حکومتی مردم می باشد، اتخاذ گردیده است. بدینحال خیزش های مردمی در شهرهای اصلی ایران پاسداران رژیم تعداد کثیری از افرادی را که سابقه هواداری از مجاهدین داشته و در گذشته مورد شناسایی ساواک رژیم قرار گرفته بودند دستگیر کرده است. علیرغم این دستگیری های پاسداران قدریه کنترل اقدامات مقاومت مردمی نگردیده اند. علاوه بر این به دستور خامنه ای و رئیسجانی رفتارهای اجتماعی نمرشد افزوده شده و مثال فقط در عرض يك سال ۱۱۳۰۰۰ تن به جرم "بدجانی" یا "ساد" دستگیر شده اند.

### در پی افشای رسمی نقش رژیم خمینی در ربودن و قتل یکی از مجاهدین در ترکیه، رجوی خواستار رسیدگی بلادرتگ شورای امنیت به جنایات رژیم شد

روز پنجشنبه ۴ فوریه عصمت سرکین وزیر کشور ترکیه در يك کنفرانس مطبوعاتی صراحتاً از اعتراضات تروریست های دستگیر شده در این کشور مبنی بر سرودن و شکنجه منتهی به قتل اکبر قربانی از اعضای سازمان مجاهدین توسط رژیم ملایان، برده برداشت. او همچنین تاکید کرد که کلیه تروریست های دستگیر شده در اردوگاههای ویژه نظامی در ایران آموزش نظامی گذرانده اند.

ساغاتی پس از اعلام این خبر، آقای مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران تلگرامی به آقای پطروس ثالثی دبیرکل ملل متحد و روسای جمهور امریکا، روسیه، فرانسه و چین و نخست وزیر انگلستان ارسال داشت.

آقای رجوی در این تلگرام نوشت: حقیقت این است که سرکوب، شکنجه و اعدام و قتل عام زندانسان سیاسی اتانسان (۱۹۸۸) در داخل ایران و صدور بنیادگرایی و تروریسم و کشتار مخالفان در خارج ایران (مانند سرور دکتر کاظم رجوی در ژنو و ترورهای مکرر در پاریس، وین و برلین) و بمباران و تهاجمات تروریستی در مناطق

## اخبار و رویدادها...

از صفحه ۱۲

که در ارتباط با ترور سال ۱۹۹۰ کاظم رجوی یکی از مخالفان سرشناس دولت ایران تحت تعقیب قرار گرفته اند، موافقت کرده است. اما يك مقام سفارت سوئیس در پاریس می گوید، استرداد این دو احتمالاً به فوریت عملی نخواهد شد. چرا که هر دو حق دارند از رای دادگاه فرجام بخواهند. این دو در نوامبر گذشته در پاریس دستگیر شدند. آقای رجوی در آوریل سال ۱۹۹۰ در برابر خانه اش در حومه ژنو کشته شد.

### دستگیری تروریست های رژیم در ترکیه

روزنامه صباح در شماره ۱۱ بهس اصمال خود در رابطه با اقدامات تروریستی رژیم می نویسد: "لاسه قاتلین پیدا شد، مسجد ایرانیان که در محله بشمل دیرک استانبول واقع است و از طرف تروریست های وابسته به حزب الله به صورت مرکز مورد استفاده قرار می گرفت، توسط پلیس بسته شد. محمد زکریا تبریزی مسئول عملیاتی شبکه حرکت اسلامی در استانبول که از طرف ساوا ما حمایت می نمود، در استانبول دستگیر شد. اکنون معلوم گردیده که او جنایت ترور اوغور مومجور اطر حریزی کرده و مسبب راهم او ساخته است. تبریزی که متخصص بمب می باشد، به وسیله فردی به اسم مستعار باشار، بمب پلاستیکی به کار گذاشته شده در قتل اوغور مومجور را آشکارا فرستاده است.

افراد عملیاتی این شبکه يك بمب در طبقه هشتم هتل اتاب مرمره کار گذاشته و يك ایرانی را در سطح سکودار به دار آویخته اند. آنها مومجور امینی اکسیر قربانی از اعضای سازمان مجاهدین خلق را از جنس در خانه اش در منطقه شمیلی استانبول رسیده، او را در شهر بورساز جوی کرده و سبی کشته اند و بعد در چنارجیق (حومه استانبول) در خاک دفن کرده اند."

## اخبار مقاومت

اخبار زیر از اطلاعیه های سازمان مجاهدین خلق ایران گرفته شده است.

### رژیم آخوندی مترصد سوء استفاده

#### از شرایط عراق علیه مجاهدین

به قرار اطلاع آخوندخامنه ای از "ستاد فرماندهی امور عراق" (یکی از ارگانه های رژیم خمینی برای صدور ارتجاع و برقراری حکومت اسلامی در عراق و سازمان دهنده تهاجمات نظامی علیه مجاهدین و ارتش آزادبیکسخت ملی ایران در منطقه مرزی) دعوت کرده بود تا در روز یکشنبه ۲۷ دیماه در محل کاخ نمایران سه منظور تصمیم گیری در باره ی نحوه های بهره برداری از اوضاع در عراق و مداخله نظامی در مناطق مرزی اجتماع کنند. چرخاننده این جلسه، علیرضا معیری رئیس جدید دفتر نخبخت های آزادبیکسخت "آخوندی" بوده و علی آقامحمدی رئیس ستاد فرماندهی امور عراق موظف به ارائه طرح های مشخص به خامنه ای و فرسنگانی برای مداخله نظامی به ویژه علیه

## چهارمین سالگرد فتوای قتل سلمان رشدی

از صفحه ۱  
خری و سبعا انعکاس یافت و رژیم آخوندی نیز سبعا انعکاس خیر ملاقات، آنرا محکوم نمود. هم زمان عزیر نسین نویسنده ترك اعلام نمود که به زودی کتاب سلمان رشدی را به ترکی ترجمه خواهد کرد و ایمن مطلب نیز خشم حیوانی آخوندها را برانگیخت. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۱۵ بهمن، عزیر نسین را مزدور "سپه‌نویس" که خون او مباح است اعلام کرد.

رادسوی بی سی در تاریخ ۲۰ بهمن اعلام نمود که داگلاس هرد معاون وزیر امور خارجه بریتانیا سوجه کسمیون حقوق بشر ملل متحد را به سوی دبل سلمان رشدی معطوف کرد و گفت مقامات طراز اول ایران بر روی این فتوا، تاکید می‌کنند. رادسوی فرانسه در تاریخ ۲۲ بهمن اعلام نمود که، اتحادیه حقوق بشر فرانسه شب گذشته مراسمی به منظور اعلام دوباره حمایت از سلمان رشدی برگزار کرد. همچنین خبرگزار اسپا اعلام نمودند که دولت آمریکا به اردوی حمایت از تندکان از سلمان رشدی پیوسته و فتوای قتل وی را غیر قابل قبول اعلام کرده است. مارزیم که غرق در جوانی - نمای متعدداست و برای حل مسائلی داخلی خود احتیاج به بحران زائی در خارج دارد باز هم برای فتوای ارجاعی تاکید می‌کند. روز ۲۵ بهمن رادسوی از قول حسن مالنی گفت: "در حال حاضر اوضاع برای اجرای فتوا از همیشه مناسب تر است" بدین ترتیب سرگردگان و گردانندگان رژیم و ولایت فقیه نشان می‌دهند که همچنان به راه و روش خمینی پایبند هستند. اما چهار سال پس از صدور این فتوا، شرایط، شدت علیه رژیم و پیوسته سلمان رشدی است. سلمان رشدی نیز پس از مدتها حرکات تدافعی و ابغالی، به موضع حرکتی تعرضی آماده و ارایه لحاظ رژیم را شدت تحت فشار فرار می‌دهد. وی با دهها روزنامه، رادیو و تلویزیون مواجه می‌کند و اخبار مربوط به فعالیت هایش را بخش می‌کند. سلمان رشدی در محامیه با مجله اشترن می‌گوید "من می‌مسم گرفته‌ام که نترسم، زیرا اگر نترس داشته باشم برای طرف مقابل پیروزی است." بدین ترتیب سلمان رشدی با تفسیر رفتار خود از موضع تدافعی به موضع تعرضی، رژیم را هر چه بیشتر در تنگنا قرار داده است. در مقابل افکار عمومی بین المللی هر روز بیشتر از روز قبل از حق سلمان رشدی برای بیان نظرانش دفاع می‌کند. جهان هر روز بیشتر از روز قبل به این حقیقت که مقاومت ایران همیشه روی آن تاکید کرده، که با رژیم آخوندی فقط می‌توان با زبسان زور حرف زد، آگاه می‌شوند. ببرد خلق تاکنون اخبار فعالیت های سلمان رشدی را انعکاس داده و در آئینده نیز خبرهای مربوط به این نویسنده را منعکس خواهد نمود. همچنین در این شماره ترجمه محامیه وی با مجله اشترن به اطلاع خوانندگان ببرد خلق می‌رسد.

\*\*\*

محامیه با سلمان رشدی راجع به زندگی اش در انزوا، ترس از به فراموشی سپرده شدن و خواسته‌هایش از سیاستمداران بن

## "من قهرمان نیستم"

اشترن - ۲۹ اکتبر ۱۹۹۲

اشترن: آقای رشدی، بیش از هر چیز دلتنگه چه چیز هستید؟

رشدی: دلتنگه چیز فوق العاده‌ای نیستم، نه تعطیلات در کنار دیوار چین و نه دیدار ابراهام. من دلتنگه این هستم که دیگر یک جنجال نباشم. من دلتنگه چیزهایی هستم که احتمالا برای شما کسل کننده است. من دلتنگه این هستم که در یک کتاب فروشی کتاب هزار و بیست و سه آخونه آن کتابی که قهدها ششم بلکه دوازده کتاب دیگر را که نمادها پیدا کرده‌ام بخرم. من از سه سال و نه ماه پیش هیچ روزنامه‌ای از مناره بغل خیابانان نخورده‌ام و وقتی که می‌خواهم به سمت درب خانه بروم می‌بایست اجاره بگیرم. بدین ترتیب مسئله در وضعیت من از دست دادن کامل زندگی روزمره و عمل خود بخود است.

اشترن: تحت این شرایط برای شما چگونه امکان دارد دوستانتان را حفظ کنید؟

رشدی: دوستان جدید پیدا کردن تقریباً مشکل است. اما قدیمی‌ها همیشه عالی یا من بخورد کرده‌اند. آنها مسائله‌ای مرا به مشکل خودشان تبدیل کردند. تنها کسی که مرا واقعاً شکفت زده کرد خانم نویسنده "گرمین کریر" است. او به من پیشنهاد می‌کند که من در کتاب که مناره‌ای بزرگ شده‌ام، آن هم درست از من که کمتر از هر کسی دیگری قدرت دارم - بلکه همچنین به فمینیست‌ها توصیه کرد که با پیرونگرانی همانگونه برخورد کنند که ملاها با آنها می‌کند. در حالی که او بطور خصوصی برای من یادداشت‌هایی می‌نوشت که در آنها بر دوستی غیر قابل گسستنش تاکید می‌کرد.

اشترن: آیا می‌توانید در این شرایط اخلاقی‌تری بنویسید؟

رشدی: من همیشه به خود می‌گویم که بسیاری از رمانهای بزرگ در زندان نوشته شده‌اند. در حال حاضر من به اندازه کافی داستان در ذهنم برای تعریف دارم. اما اگر مدتی طولانی از دنیا جدا باشم نوشتن مشکل خواهد شد.

اشترن: شما در هندوستان متولد شده‌اید و راجع به سرزمین مادری‌تان چیز نوشته‌اید. فکر می‌کنید آیا زمانی بتوانید به آنجا بازگردید؟

رشدی: من بش از هر چیز دیگری دلتنگه هندوستان هستم. من حتی اگر بتوانم در اروپا دوباره زندگی عادی ام را از سر بگیرم باز هم آنجا برایم خطرناک است. اگر فقط یک درآمد هندی‌های مسلمان بخواهند مرا بکشند، رقمشان چیزی در حد یک میلیون قاتل بالقوه خواهد بود. این خیلی مایوس کننده است زیرا مرا از دنیایی جدا می‌کند که بش از هر کسی دیگر به من قدرت نوشتن داد. به این دلیل حدس می‌زنم زمانی که کتابهای من تم غربت آمیخته شوند.

اشترن: یک بخش از خانواده شما در پاکستان بناگذار زندگی می‌کند. آیا آنها بخاطر نسبت شما مسرود آزادتر گرفته‌اند؟

رشدی: مادر من در کراچی زندگی می‌کند، نام مراد اردو تاکنون حتی یک تلفن مزاحم هم به او نشده.

اشترن: زمانی شما گفتید که پس از حکم مرگ خمینی، چیزهایی که پیش از این بدیده بودند، دیگر اینگونه تلقی نمی‌شوند.

رشدی: هر انسانی از دنیا برای خودش تصویری می‌سازد در آن بدون تناقض‌های اساسی زندگی می‌کند. اما من بر عکس مجبور بودم برد خود اعراف کم تصویری که از من توسط دنیا ارائه شده از پایه غلط است. انسانهایی که من همیشه درباره‌شان نوشته بودم، احساس تعلق به آنها داشتم. مهاجرین آسیایی انگلیس - همان کسانی بودند که کتاب مرا آتش زدند. ۲۰ سال تمام علیه نژادپرستی انگلیسی مبارزه کردم و ناگهان مردم خودم به من نیت نژادپرستی زدند. از زمانی که در انگلستان زندگی می‌کنم از حرب کارگریشناسی کرده‌ام، آن وقت به این نتیجه می‌رسم که آنها به جز چند استثنا، مرا به حال خودم رها کرده‌اند. در حالی که حزب محافظه کار که من علیه آنها هستم مبارزه کرده بودم، زندگی ام را نجات داد. شاید این قبول که زمانی یک نفر گفته بود درست باشد که برای یک هنرمند سختی وجود دارد. هر چه سخت تر برای او بهتر هنرا غلب از رنج نشئت گرفته و پدید آمده.

اشترن: شما شادترین رمان "ساکون یعنی" هزارون و دریای داستانها" را در اولین سال پس از فرار خودتان از مرگ نوشتید.

رشدی: آن زمان وحشتناک ترس دوره زندگی ام بود. نه تنها این که مجبور بودم بارندگی ام در خفا کسار بیابم، بلکه زندگی زناشویی ام نیز از هم پاشید و من هر گونه بستگی را از دست دادم. اما من پیش از "جنجال رشدی" به سپرم قول داده بودم زمانی کتابی برای کودکان می‌نویسم و من می‌خواستم به وعده‌ام وفا کنم. غیر از این چیز زیادی وجود داشت که بتوانم سرای او انجام دهم و اینگونه بود که در تاریخ ترین تاریخ زندگی ام خوشبخت ترین کتابی به وجود آمد که تاکنون نوشته بودم.

اشترن: آیا شرایطتان دیدگاه شما راست به زندگی تغییر داد؟

رشدی: من اکنون نسبت به دوره ۱۹۸۹ بیشتر می‌دانم. من در اصل نویسنده منتقد چپ‌ها بودم، یک دیگران دست. دلپسته به اینکه علیه چیزی مطلب بنویسد. اما در باره اینکه واقعا موافق چه چیزی هستم خشتی کم نگر می‌گردم. اکنون می‌دانم که مخالفت بنیادگراشی بودن کافی نیست. انسان باید برای چیزهایی که دوست دارد همانگونه بجنگد که علیه چیزهایی که مخالفشان است و آنهم بدون سازش. بعنوان مثال برای آزادی بیان.

اشترن: اما شما خودتان یکبار تلاش کردید با بنیادگراها کنار بیایید با این روش که شهادت نامه‌ی اعتقاد به الله، یگانه خدا، و پیامبرش محمد امضا کردید.

رشدی: این مسئله در یک لحظه بزرگ پیرشانی اتفاق افتاد. غربی‌ها هرگز واقعا نفهمیدند که رانده شدن از دنیایی که از آنجا می‌آدم، درباره‌اش همیشه می‌نوشتم برایم چقدر دردآور بود. من می‌خواستم اشاره‌ای بنیادی به مسلمان‌ها نشان بدهم که هر کس دشمن آنها نبوده‌ام. اما من با این عمل خود را انکار کردم. به این دلیل حرفم را پس گرفتم و گفتم: "نه، من اعتقاد ندارم، یک آدم مذهبی نیستم. اگر از من سؤال

گرامی باد خاطره

## فدایی شهید منصور حبیبی زاده

در کشتن شهدای پرافتخار خلق ستارگانی هستند که سراسر عمر بر بار خود را به امید رهایی مردم، سواره بر غلیه ظلم و ستم و استبداد گذراندند و در این راه، با افتخار به شهادت رسیدند و از آنان نامی و یادای برجای ماند: در میان این پیام آوران آزادی بسیارند آنانی که نام آنها توسط درخیمان انتشار یافت و هم چنان در گمنامی در سینه تاریخ محفوظ هستند. اینها همزمانی که بیشتر از میان جوانان کم سن و سال سر خاستهاند، عمر کوتاه خود را با فداکاری برای رسیدن به آزادی در طبع اخلاص نهادند و به جنگ اهریمنستان خویشوار رفتند و بعد از تحمل شکنجههای طولانی در پشت سلههای زندان های قرون وسطایی رژیم خمینی در مقابل جوخههای اعدام قرار گرفتند و بار در زیر شکنجه، ترانه خوان رهایی گردیده و خنده بر لب برد و حساس گفتند: «باد آن را گرامی بدارم و بعنوان حداقل وطنم انقلابی خود در جهت شناسایی و معرفی آنان تلاش نمائیم» باشد تا در این رهگذر فداکاریهای آنان را سه گونه‌ای، ارج بهمیم و با ادامه رها شدن خواب راحت را از چشم دشمنان خلق و انقلاب برداشتم.

نبرد خلق به سهم خود در جهت معرفی این شهدای گرانمایه خلق و مقاومت انقلابی کوشش می‌کند و با بدست آوردن اطلاعات مربوطه به چاپ و پخش آنها اقدام می‌نماید.

به تازگی بیوگرافی یکی از این شهدای به خون خفته خلق بدست ما رسیده است که در اینجا به معرفی اندک وی می‌پردازیم. رفیق منصور حبیبی زاده در سال ۱۳۲۰ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر درفول بدینا آمد و از زمانی که خود را شناخت ماساژ اریج و شکنجه و سایر ابروی های اجتماعی در طلب یافتن راهی برای سرچیدن بساط ظلم و ستم به تلاش و کوشش پرداخت. وی همراه با انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷ به حدی از سلووغ فکری و ایدئولوژیکی رسیده بود که نتواند راه و روش خود را در میان آن همه ناآرامی، بیابان و بیادند کسه مبارزه تشکیلاتی تنه‌راه پیشبرد مبارزه اصولی و انقلابی است و در این رابطه به صفوف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق در جنوب کشور پیوست و به فعالیت های مختلف در این راه پرداخت. همراه با انشعاب بزرگ در سازمان فدایی با آگاهی و اطمینان از ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی رژیم خمینی بسسه اپورتونسم لانه کرده در سازمان "نه" گفت و به صفوف جریان رزمنده "اقلیت" پیوست و فعالیت های خود را به همراه چندین دیگر از همزمانش در شهر درفول و در ارتباط با شاخه جنوب سازمان اقلیت آغاز کرد. رفیق منصور که به دقت و فداکاری مشهور بود، در میان دیگر همزمانش از اعتماد قابل توجهی برخوردار بود و هیچ وقت اریح خطری نمی‌هراسید و همیشه مشکل ترین کارها و مأموریت ها را بر عهده می‌گرفت. در طی جنگ ایران و عراق با وجودی که کلیه امکانات ارتباطی وی و یارانش به سبب بمباران های مکرر شهر درفول و مهاجرت تعداد زیادی از مردم از زمین رفته بود بسا شهامت و شجاعت در انجام دادن و فعالیت های خود و دیگران را از زیر زمینی در این شهر هدایت می‌کرد. رفیق منصور یکبار بهنگامی که در زیر زمین مشغول مطالعه

مجدد به سازمان گرفت که در بین راه بهنگام خسروح از مرزیدام پاسداران رژیم افتاد بدنبال شناخته شدن وی توسط مأموران رژیم، برای بازجویی و تکمیل اطلاعات مربوط به شاخه جنوب سازمان، به شهر محل فعالیت خود یعنی درفول منتقل گردید، که بعد از شکنجههای طاقت فرسا و طولانی در بیدادگاههای آخوندی به دلیل مقاومت در مقابل خواسته‌های آنان و حفظ اسرار خلقی به ۱۵ سال زندان محکوم گردید تا شاید در این مدت اراده اش متزلزل گردد و به ندامت و محامه تلویزیونی راضی گردد. رفیق منصور بعد از یک سال تحمل سختی در زندان های رژیم به سمساری سرطان مغزی دچار گردید و به گفته هم سلولی هاشم شش ماه آخر عمر خود را در حالت اغما و سپوشی بدون کوچکترین درایت پزشکی سربرد و در انجام يك روز قبل از شهادت با ابراز خاواده اش به بیمارستانی در تهران منتقل گردید و مورد عمل جراحی قرار گرفت که نتیجه نداد و در صبح ماه ۱۳۶۲ قلب نوسندده اش از نیش بارگامد وند دانی شهیدش. رفیق شکرالله پاك نزاد و دیگر شهدای خلق بیوسم سادش گرامی و رهاش بر رهرو ساد.

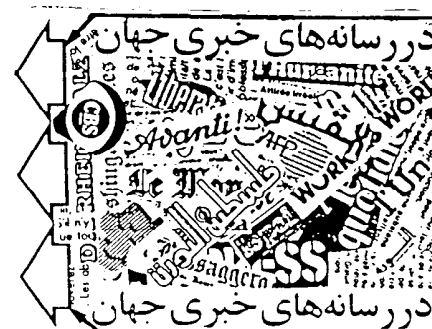


رفیق منصور در کنار دای انقلابی و شهیدش رفیق شکرالله پاك نزاد

## گزارش مراسم بزرگداشت شهید

۱ رتفحه کردند. نظاره کنندگان با شعارهای خود رنجانی را مسئول ترور علی اکبر قربانی اعلام کردند. به گزارش سازمان مجاهدین خلق ایران، این تظاهرات به دعوت "کدینه اکبر قربانی"، به ریاست ژان پی بیرکسه، "حقوق بشر نوین" و "انجمن ایران و فرانسه برای عدالت و آزادی" از میدان ریپوبلیک تامیدان نامتسل صورت گرفت. آقای دکتر صالح رجوی پیام کوتاهی از طرف مسئول شورای ملی مقاومت ایران قرائت نمود. آقای مسعود رجوی در پیام خود به تظاهر کنندگان اعلام نمود که: "این بهائی است که از روز به حکومت رسیدن غلطنی تا بحال مجاهدین هر روز در داخل ایران و یامناظر مرزی و محل های استقرار ارتش آزاد بخش ملی و سر در زنو، پاکستان، ترکیه و سایر نقاط جهان می‌پرزاند. بهای مقاومت برای شرافت و آزادی در برابر دیکتاتوری و سنیادگرایی مذهبی". در روی پلاکاردهایی که توسط تظاهر کنندگان حمل می‌نمود نوشته شده بود، "رژیم ملایان را تحریم نقتسی و تسلیحاتی کنید"، "سفارت های رژیم خمینی کسه

لانه برور سیم است را تعطیل کنید"، "نه به بنیاساد گرامی و ترور سیم بر خارج، نه به سرکوب خویشین در ایران"، در این تظاهرات خام جیمله اسلامی همسر شهید اکبر قربانی و شماری از شخصیت های مقاومت ایران از جمله آقایان منوچهر هزارخانی، خداست. الله منین دفتری و جلال گنجهای حضور داشتند. گروهی از شخصیت های فرانسوی و اروپایی در این مراسم شرکت داشتند. خانم میلرا استاد دانشگاه انگلیس که در این مراسم شرکت داشت، طی سخنانی خواستار محکومیت رژیم خمینی بخاطر جناس قبیح آن علیه بشرت شد. همچنین در چهارم، سازمان و شخصیت ساسی فرانسوی، اروپایی و امریکایی پیام های تسلیت خطاب به آقای مسعود رجوی به این مراسم ارسال داشتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه حزب سرخای فرانسه در پیام خود به این مراسم اعلام نمود که "قتل های مکرر مخالفین ایرانی در خارخ ناست می‌کند رژیم ایران بهیچوجه به دنبال آن نیست که استراتژی ترور و حذف سیستماتیک را تفضیر دهد". پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به این مراسم در هفتمین شماره نبرد خلق چاپ شده است.



## ایران تهدید مالاها

نام روزنامه: *TEMOIGNAGE CHRÉTIEN* • 13 FEVRIER 1983

اگرچه يك مقاله اخير و اشنگتن پست <sup>۱</sup> اعتقاد داشته باشيم، بيل كلينتون معتقد است كه عمده ترس خطر در خاور ميانه براي غرب، از ايران ناشی می شود كه تبديل به "مركز هدایت ميليتاريسم بنياديگراي اسلامی" شده است. برای رهائی از اين معطل، انتظار می رود كه وا شنگتن از "يك الترنا تيو دموکراتيك بر علیه حكومت ظالمانه مالاها" حمايت كند.

\*\*\*

این اولین دفعه در مدت ۱۴ سال حكومت بنياديگراها بود كه يك وزير مشاورك دولت متبوعش را در فعاليتهای تروريستی بر علیه اپوزيسيون در خارج از ايران به رسميت شناخت. علی فلاحيان وزير اطلاعات در كابينه پريزیدنت رفسنجانی در ۲۸ اوت ۱۹۸۲ در تلویزيون اعلام نمود كه: "سرويس های ما اعضا، گروهكها را در خارج از ايران تعقيب می نمایند."

كمتر از سه هفته بعد در ۱۷ سپتامبر ۲۰ نفر از فعالين اقليت كرد در ايرانی در يك رستوران در برلين ترور شدند. در ۵ فوریه گذشته وزير امور داخلی تركه علناتهران رامتهم به مسؤليت داشتن در ترور روزنامه نگسار ترك <sup>۱</sup> اوگور موجو "در ۲۴ ژانويه ۱۹۹۳ اسود. فعاليتهای تروريستی مرتكب شده توسط دولت مالاها در كشورهای خارجی از زمان مرگ خمينی در ژوئن ۸۹ در افراسيس مستمري بوده است. اقدامات تروريستی فوق الذكر در كشورهای مختلف جهان منجمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، اتریش، عراق، تركيه، ژاپن، سوئيس، امارات متحده عربی و لبنان - انجام شده است. در میان قربانيان شناخته شده می توان از دكتور كاظم رجبوی برادر مسعود رجوی رهبر مقاومت ايران در ماه مئی ۱۹۹۰ در ژنو و شاهپور بختنار آخرین نخست وزير شاه در پاریس در اوت ۱۹۹۱ و ۲۰ نویسنده ژاپی و انسانهای كتاب سلمان رشدی نام برد.

همچ كشوری در جهان تریبیدی در شركت مستقیم رژیم هاشمی رفسنجانی در اين جنایت ندارد. در نتیجه ۲۳ سال تحقيق آقای رولان شاتلان، قاضی سوئیس، شواهدی از شركت سفارت ايران در ژنو در قتل كاظم رجوی ارائه داده است. حكم بازداشت برای ۱۲ تروريست منجمله سفیر ايران در امارات متحده عربی صادر شده است. دو تن از تروريست های فوق الذكر در ۹ انوامبر

۱۹۹۲ در پاریس دستگیر شدند. تحقيق پيرامون ترور شاهپور بختناره پايان نرسیده و چند عضو يك شكسه شامل چندين كارمند دولت ايران منجمله خواهرزاده خمينی بازداشت گردیده اند.

چطور مستران توضیح داده كه دولت رفسنجانی علیرغم تمام حكوميت ها و ایزولاسيون بين المللی هنوز به تروريسم بعنوان يك سياست رسمی ادامه می دهد؟

در مدت ۱۲ سالی كه رژیم آخوندی در ايران حاكم است، تروريسم بين المللی مكمل سرکوب در داخل كشور بوده است. قبل از آنكه خمينی در سال بعد از اعلام "جمهوری اسلامی" اعلام جهاد برعلیسه مخالفان در ژوئن ۸۱ بنياد، آنها از جزیسسه برای بیشتر يك سناره و سنج مردمی استفاده می کردند. ولی در عين حال در همان دوران، غرب به يك حد بفرار اعضا، اپوزيسيون كه اكثراً وابسته به مجاهدين بودند بوسیله چاقو داران كه مستقماً و بطور بختیاب به يك حكومت نامس مالي می شدند، ترورر گردیدند.

پس از ژوئن ۱۹۸۱، سوج اقدام و سرکوب برعلیسه اپوزيسيون آغاز گردید. مسجده آن برداك به يك مخدنه راز اقدام و رسمی نشانه از زندانی بدلیل نفاذ سیاسی در ۵۷۰ زندان غلیبی بدون احتساب بازداشتگاههای مخفی. طبق محاسبه از ۲۰ ميليون نفر از روشنگران كسبه احساس تهدید می کردند، كشور را ترك گفتند. در نتیجه يك مقاومت عمیق در داخل و در خارج ايران شكل گرفت. سياست ممدور تروريسم توسط خمينی و رفسنجانی باعث اسجاد آشوب و هرج و مرج در ديگر كشور ها و بطور خاص كشورهای خاورميانه و افریقا شده است. گروه شنه نظامی و بنياديگراي لبنانی بنام "حزب اللس" مدت ۱۰ سال غربی هزاره كروگان گرفت. این گروه مستقماً توسط دولت ايران نامس مالي شكسه و سلاحهای راز ارسياه باسداران مستقر در لبنان دریافت می كرد. در قم، شهری مقدس در ۱۰۰ كيلومتری جنوب تهران يك يادگان نظامی اختصای به آموزش بنياديگرايان گردآوری شده از كشورهای عربی، افریقای و اخرا جمهوری های شوروی سابق دارد. چندين شكه نظامی در بحر، تونس، الجزایر و در ساحل نيركش شده اند.

علیرغم مجامره تسلیحاتی بوسنی - هرزه گوسی، يك هواپیمای حمل ونقل ایرانی، تحت پوشش حمل كملكهای اسانی در شهر زاكوب توسط نیروه های كرواسی در سپتامبر ۹۲ تویف شد. بنابه گزارش خبرگزاری فرانسه در پاریس گذشته، دولت جدید جمهوری آذربایجان سروهای زمینی اش را در ابتدای مرز ايران به حال آماده باش در آورده و تانك های جدیدی را در آن نقطه مستقر نمود. این يك اقدام احتیاطی برای جلوگیری از نفوذ گروههای خرابكار ایرانی بود.

در ضمن دوران رژیم تهران تبلیغات فراوانی روی رفرهای اقتصادی، كشایش بسوی کشورهای غربی انجام داده است. آنها اینطور وانمود می كنند كه يك "پروستریكای ایرانی" را دنبال می نمایند ولی واقعیت چيز دیگری است. اگر چه تمام رسانه های جمعی ايران تحت سانسور حكومتی هستند ولی حقایق و معیبت مردم بقدری گسترده است كه این حقایق به وسایل ارتباط جمعی نفوذ کرده و باتوسط

سران حكومت بیان می شود.

موقعی كه پريزیدنت رفسنجانی راجع به محتاسب ۸ سال جنگ با عراق صحبت می كند، در ۸ اوت ۱۹۹۱ از طریق رادیوی دولتی می گوید: "تقریباً ۲۷ درصد از تولیدات كشور كم شده. هزارانی در دوران جنگ ۵۰ درصد فقیر تر شده. ۲۰۰ او می افزاید: "۵۰۰ شمس بمدت ده سال راكد بود. ۲۰۰ به مشكل بنگاری كه مشرف اقتصادی بسیار خطرناکی است دچار شدم. خسارات مادی جنگ حدود خد میلیارد دلار شد، ما معادل يك قرن درآمد نفت خود را از دست دادیم."<sup>۱۱</sup>

چهار سال پس از انان جنگ، وضعیت اقتصادی هم اکنون بسیار وخیم تر از فردای جنگ است. سطح نشانه ای از رشد اقتصادی رهمج طرح جدی سازاری به چشم نمی خورد. بر اساس گزارش دسترگزل سازمان ملل متحد، ۶۰ درصد آنچه "بازسازی" نامیده می شود، شامل ساختمانیهای موقعی همید كه باید دوباره بازسازی بشوند از ۲ - ۳ میلیون آواره جنگ سهبا ۲۵۰ هزار نفر به مناطق خودساز كشته اند. ساند كسبه روزنامه سلام چاپ تهران، ۶۰ - ۷۰ درصد كل حصيد برخط فقير زندگی می كنند و ثروت سلطك در دست ۱۰۰ سالا ۲۰۰ خانواده فوق العاده ثروتمندان و همجنس هستند.

روزی نامه كنها چاپ تهران می گوید: "از ثعت ۱۲ ميليون جمعیت ايران، در حال حاضر ۱۲ ميليون فقير است. خدمات درمانی دسترسی ندارد. ۱۳۰ ميليون فقير آب سالم ندارد، ۱۵ ميليون فقير رگسلا سزاده، ۲/۵ ميليون كودك نه مدرسه نمی رويد. بدون احتساب اينكه ۹ درصد جمعیت كشور كه بخطر جنگ معطل هستند - به همی بربند در سال ۱۹۹۱ تنها در شهر تهران ۲۹۰۲ فقر خردكشی موجود. در حال كده در سال ۱۹۸۱ آمار خودكشی ۱۷۶ نفر بود.

علیرغم ان ویرانی اقتصادی، بخرارج نظامی افزایش یافته است. سزیدنت رفسنجانی برای بانس سلاحهای هستهای و برای ردى در خردی تریب به خوزه راه نمی دهد. خود او در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۱ در يك مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی اعلاء بخود كه بوجهه نظامی دوران پس از جنگ، ۲۰ درصد سن از دوران جنگ است. باید بوجهه بلس ولس مخفی و اقدامات تروريسی و آشوبگری در خارج از كشور اسرت اس بوجهه افانسه نمود.

در مدت سال ۱۹۹۱، ايران مبلغ ۲ بلییارد دلار تسلیحات از شوروی ساب، ۵ بلییارد دلار از چین و ۵ بلییارد دلار از كره شمالي و ديگر كشورها خوسذاری کرده است. در ۴۰۰۰ دلار تسلیحات خوسذاری شده از روسیه، به زیر دریایی در اکتبر ۹۲ به ايران تحویل داده شد. حقیقت است كه آرتش ايران كه در جنگها به باعراق نهايتا شكست خورد، نه روجه، به انگمره در كبر شدن در يك جنگ دیگر را ندارد. بنابراین تمام این مخرارج نظامی هدی جز كسرتش سرکوب داخلی و ممدور تروريسم برای ایجاد بی ثباتی در كشورهای ديگر ندارند. برای نمونه دولت رفسنجانی در تسلیح جناحهای بنياديگراي افغانی و جمهوری تازه استقلال یافته تاجيکستان شركت می كند. اضافه باسداران پس از ترك لبنان در حال حاضر مشغول سرکوب جنبش های ملی گرا در جنوب سودان هستند.

## مبارزه زنان ...

از صفحه ۱

در امریکا، که پیشرفته ترس جامعه سرمایه‌داری و نوی-ترین قدرت جهان است، بر سر برخی مسائل مربوط به زنان، از جمله حق سقط جنین، یک شکاف عمیق در جامعه به وجود آمده و جنبش فمینیستی در آمریکا، برای افشای دیدگاههای مردسالارانه، به یک مبارزه وسیع‌دامن رده است. این امر نشان می‌دهد که تبعیض جنسی چه عمقی در جامعه دارد و وضع نابرابری برای رفع تبعیض، اگرچه لازم است ولی کافی نیست. در کشورهای اروپایی هنوز برخی قوانین ناعادلانه در مورد زنان وجود دارد. در ژاپن با وجود پیشرفت سرمایه‌داری، هنوز تبعیض جنسی وجود دارد و به درجات مختلف عمل می‌کند. در اتحاد شوروی سابق، گرچه اینطور حقوقی-قوانین بسیاری به سود زنان وضع شده بود ولی در عمل اجرایی نمی‌شد. در جمهوریهای آسیای اساسا این قوانین مورد توجه کجی مردان قرار می‌گرفت و زنان مورد تبعیض بسیار قرار داشتند. به طوری که مسائلی حق کار در اس‌جمهوری هائیتی شده بود که زنان فقط در خارج از خانه کار می‌کردند. البته این امر بسیار مثبت بوده است، بلکه باید تمامی کارهای خانه را نیز انجام می‌دادند. برابری زن و مرد در شوروی سابق و به خصوص در جمهوریهای آسیای، بسیار سطحی‌تر از آن بود که حتی دشمنان اتحاد شوروی تصور می‌کردند. این مساله را از میزان مشارکت زنان در حزب کمونیست که تمام قدرت را در دست داشت، می‌توان فهمید. فقط ۲۰ درصد اعضای حزب کمونیست در سراسر شوروی زن بودند. در آخرین کمیته مرکزی ۲۰۷ نفره حزب کمونیست، ۱۲ زن وجود داشته و در دفتر سیاسی حزب که ۱۳ عضو داشته، هیچ زنی نبوده است. این، در حالی است که در بسیاری از حرفه‌ها مثل مصلحان، پزشکان، فرزندگان و... زنان دردم بالایی را داشته‌اند.

در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، وضع زنان متفاوت است. در کشورهای آمریکای لاتین به علت فرهنگ خاص، زنان در عمل در بسیاری از موارد با مردان برابرند. ولی بازم قوانین تبعیض آمیز وجود دارد. در کشورهای آفریقایی، سنگی به موقعیت کشور و درجه پیشرفت اقتصاد، فرهنگ و سیستم حکومتی آن، وضعیت متفاوتی در مورد زنان وجود دارد. می‌توان گفت وضع زنان در کشورهای که ساکنان آن مسلمان هستند، از همه بدتر است. در عربستان سعودی زنان اساسا حتی بجز خانداری ندارند. حتی رانندگی برای زنان ممنوع است. در اوایل نوامبر ۹۰ در این کشور ۴۷ زن که به عنوان اعتراض به ممنوعیت رانندگی برای زنان تظاهرات کرده بودند، دستگیر شدند. قبل از این تظاهرات، ممنوعیت رانندگی برای زنان در عربستان به طور غیر رسمی وجود داشت ولی پس از آن رانندگی برای زنان رسماً از طرف دولت ممنوع شد. موج بیان اسلام‌م و نمادگرایی در این گونه کشورها اساسا و در مرحله اول متوجه زنان است. سنکر مبارزه زنان برای حقوق خود اولین سنگری است که از طرف مسلمان‌گرایان اسلامی باید فتح شود. مثلاً در ایران، یکی از اقدامات اولیه رژیم خمینی حمله به حقوق زنان و ارائه تصویر زن در جامعه با دیدگاه مافوق ارتجاعی خود بود. جایگاه زن ایرانی و اندک حقوقی که زنان طی

سالها با حضور فعال خود در صحنه اجتماع (به ویژه حضور زنان مبارز در صحنه سیاست) کسب کرده بودند و برخی از آنها در رابطه با ضروریات مربوط به رفاه‌های سرمایه‌داری در ایران و مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بود، مورد تعرض رژیم قرار گرفت، و مقام زن در جامعه زیر سلطه رژیم خمینی در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اداری، فرهنگی آموزشی و... همان جایگاهی شد که مردان ارتجاعی این رژیم برای آنان در نظر گرفتند.

- رشته‌های تحصیلی برای زنان محدود شد. به عنوان مثال تحصیل در رشته‌های برق، بهداشت دهان و دندان و... برای آنان ممنوع شد. طبق تصویب شورای برنامه ریزی ارسال تحصیلی ۶۲ به بعد دانشگاهها به هیچ وجه دانشجوی دختر برای رشته برق (برق فشار قوی) گزینش نمی‌کردند (ایران، ۳۰، ۶۷).

- زنان در دانشگاهها و ادارات وحی در انبوسها می‌بایست از مردان جدا شوند. آموزشگاهها و هنرستانهای مختلط برای این اساس می‌بایست تعطیل شوند و دختران هنرستانی که مدرسه مستقلی نداشته‌اند، سرگردان بمانند.

- حق تفاوت از زنان سلب و بعدها فقط به مشاورت محدود شد. زنان دیگر نمی‌توانستند در رشد حقوق قضایی تحصیل کنند و بدین ترتیب بخشی از زنان از فعالیت اجتماعی رانده و به صف بیکاران افروخته شدند.

در سال ۵۸ قانون حمایت خانواده ملغی اعلام شد و وظیفه رسیدگی به امور خانواده به مراجع شرعی واگذار شد.

- سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال کاهش یافت.

- مراکز رفاه خانواده به تعطیل کشانده شدند و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود شد.

رژیم خمینی حتی در خصوصی ترین مسائل مربوط به زندگی زنان نیز دخالت کرده و طبیعی ترین حق یعنی حق پوشش را از آنان (همچنان که از مردان سلب کرده است) دیدگاههای سران رژیم نسبت به زنان، چنان که بر سر مردم، عشق ارتجاعی بودن این رژیم را نشان می‌دهد. با این وجود زنان آزاده ایران، به خصوص بخش عظیم زنان شهری که مستقماً مورد سرکشی رژیم قرار دارند، در مقابل فشار رژیم مقاومت کرده و می‌کنند، آنان به هر شکلی که بتوانند سعی می‌کنند مخالفت خود را با معیارها و قوانین رژیم نشان دهند.

به طوری که هر از چندگاه رژیم و حزب اللهها بنام سرکوب زنان به بهانه "بدهجایی" را در می‌دهند و از این که زنان ایرانی، به اشکال مختلف، با رژیم و قوانین ارتجاعی آن مقابله می‌کنند، داد و فغان سر می‌دهند. بدون شك ایستادگی زنان و تن دادن آنان به رژیم قرون وسطایی خمینی، در این برهه از تاریخ میهن ما در مقابل اعمال سرکوبگرانه دارو دسته آخوندی، یکی از صفحات پر شکوه مبارزه زنان میهن ماست.

گفتم که مساله زن و رفع تبعیض از زنان، یک مساله مهم در جهان امروز است. با توجه به رشد بنیادگرایی اسلامی در منطقه خاور میانه، که بلاواسطه حقوق دموکراتیک زنان را مورد حمله قرار می‌دهد، و با توجه به این که کانون رهبری این موج ارتجاعی، رژیم ارتجاعی آخوندی حاکم بر میهن ماست، پس مساله

زنان در میهن ما در این مرحله با مساله موجودیت رژیم اسلامی حاکم، کاملاً گره خورده است. بنابراین، در یک بررسی کوتاه در مورد مبارزه زنان برای رفع تبعیض، ابتدا باید رابطه زنان با سیاست و بعد از آن موقعیت زنان در رابطه با قوانین حقوقی، مساله اجتماعی و خانواده، فرهنگ جامعه مورد توجه قرار گیرد.

زن و سیاست

در اواخر حکومت شاه، درین سنت سیاسی و اقتصادی رژیم در متن بحرانی که راه حل‌های انقلابی را طلب می‌کرد، زنان برای تحقق و تعمیق حقوق خود، پایه پای موج انقلابی، به سوی دگرگونیهای بنیادی گام برداشتند. در این جابجا آزاد زنان مبارز و مارکسیست و مجاهد را گرامی می‌داریم که در عالی ترین سطح رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و رفتن مسئولی چون نرگس روحی آهنگران و شیرین فضلعلی کلام و... دلاورانه همراه با همزمان مرد خود جنگیدند و به نهایت رسیدند، با زنان آزادی مثل محمود شادانی (مادر کیمیرا)، فاطمه امینی واعظم روحی آهنگران و صداهای دیگری که در زمان شاه به جوخه اقدام سیرده شدند با خاطر آمانشان دوران سخت امارت و شکنجه را گذراندند، سپس بعد از آزادی از زندان، توسط دژ خیمان خمینی شکنجه شدند و به شهادت رسیدند. این آزاد زنان با خون خود بر نقش برابر خود نامزدان، در مبارزه عمومی برای رهایی از حکومت پهلوی صحنه گذاشتند. انقلاب ۲۲ بهمن، زنان ایران را در سطح وسیع و گسترده می‌باید سیاست جلب کرد. خمینی، که در فرم ارضی شاه مخالف شرکت زنان در انتخابات بود، پس از به قدرت رسیدن، برای منافع خود از شرکت زنان برای دادن آنان دفاع نمود. همان طور که گفتم، در کنار آن بسیاری از حقوق کسب شده زنان را نیز از آنان پس گرفت و به تدریج یکی از بی سابقه ترین سرکوبها را در مورد آنان انجام نمود. از طرف دیگر در فرای انقلاب و به علت تسلط فضای " همه با هم" و تاثیر آن در بسیاری از گروههای سیاسی، از اولین حرکتهای اعتراضی زنان، دفاع لازم به عمل نیامد و بدین لحاظ زنان بخش غیرسیاسی جامعه پس از هر موقع دیگر تحت فشار قرار گرفتند. ما مساله‌ای که جنبه کمری در مقابل رژیم خمینی اشکال حادثی به خود گرفت، مساله تبعیض جنسی نیز مورد توجه بیشتر واقع شد. تمامی جناح‌های رژیم خمینی در مورد "برحق" بودن تبعیض جنسی اتفاق نظر داشتند. در مقابل، در جنبه مبارزه علیه ارتجاع، مساله حقوق دموکراتیک زنان مورد توجه بیشتر قرار گرفت و رفع تبعیض جنسی به یکی از شعارهای مهم جریانهای سیاسی ترغیبخواه تبدیل شد. پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و شرکت وسیع زنان در مبارزه مسلحانه انقلابی، این مساله که مبارزه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری کامل با مردان در بیشتر مبارزه با رژیم حاکم رشد می‌کند، به یک اصل مسلم تبدیل شد. به طوری که امروز بدون مبارزه جنسی و مخالفت با رژیم حاکم، مبارزه برای رفع تبعیض جنسی، هیچ جا و مکان جدی در مبارزه زنان میهن ما ندارد. بر عکس شرکت هر چه بیشتر زنان در مبارزه سیاسی و کوشش

## پ

آنان برای بروز استعدادهای خود وقبول مسئولیتهای هر چه بیشتر، شرایط را برای رفع تبعیض در مورد زنان هر چه بیشتر فراهم می آورد. کناره گیری زنان از سیاست و محدود کردن مبارزه شان تنها به مبارزه برای رفع تبعیض جنسی، به مثابه جدا کردن خود به عنوان انسانهایی برابر با مردان است. اگر حوزه سیاست تنها به مردان واگذار شود با این توجه که زنان، صرف نظر از ماهیت قدرت سیاسی، باید برای کسب حقوق مساوی با مردان مبارزه کنند، این امر به تنها جنبش زنان را از مهمترین مسائل اجتماعی جد می کند، بلکه این تفکرواندیشه رادوزنانی که چمن می بیند، به وجود می آورد که در زمینه های از مردان جدا بوده و بنا بر این بر این نیستند. این اندیشه سبب ست کردن پایه های جنبش زنان از درون خود چمن، برای کسب برابری با مردان خواهد شد. باید همسرا با کسب کم که مبارزه سیاسی، اگر چه حوزه لازم فعالیت زنان در شرایط کنونی است، ولی به تنهایی کافی نبوده و اگر به همین حوزه بسنده شود، جنبش زنان به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بنابراین زنان باید برای وضع قوانین در جهت برابری با مردان مبارزه کنند. و اما امروز، در این برهه از مبارزه علیه تعدد بشری، زنان بیش از هر موقع دیگر در صحنه مبارزه فعال هستند. زنان امروز به صورت اعتراضهای فردی، وجه در شکل شرکت در تشکیلات ویژه زنان، چه به صورت شرکت در مجامع و گرد هماییها در مخالفت با رژیم، چه با شرکت در اعتصابات کارگری و کارمندی و هم چنین شرکت در تحمیلها و اعتراضات جمعی با شرکت در فعالیت های سیاسی و تشکلهای سیاسی، مخالفت خود را با اعمال سرکوبگرانه رژیم نشان می دهند. حضور فراوان زن، از دختران نوجوان تا مادران پیر و سالخورده با مادرانسی همراه با فرزندان سرخوار خود در رده های رژیم، و خراش زن مجاهد و مبارزی که توسط جلادان خمینی اعدام شده اند، خود گواه شرکت فعال زنان در صحنه سیاست می باشد.

## زن و قوانین اجتماعی

مساله تبعیض جنسی در بسیاری از نوانین، گاهی به اشکال غربان و گاهی به اشکال ظریف و پیچیده مطرح شده است. رژیم آخوندها در این زمینه وضوح تبعیض جنسی را میورد تا کاند قرارداد، وجه در قوانین وجه در عمل آن را نشان می دهد. در این جا به چند نمونه مختصر از قوانین ارتجاعی رژیم نسبت به زنان اشاره کنیم.

- طبق قانون قصاص ماده ۲۲، شهادت دوزن نابالگ مرد، آن هم در موارد معدودی برابر می باشد.

- طبق قانون قصاص ماده ۱۳، سهم زن از ارث مساوی نصف سهم مرد است.

- طبق قانون قصاص ماده ۱۲، زنان مرده "محبوران" و "نابالغان" محسوب می شوند.

- طبق قانون قصاص ماده ۶، در مورد قتل، خونسپای زن نصف خونهای مرد است.

- طبق قانون قصاص ماده ۲۲، قتل آنها با شهادت دو مرد قابل اثبات است.

- طبق اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی،

رئیس جمهوری باید از میان مردان انتخاب شود.  
- طبق ماده ۱۲۲ قانون مدنی، حق طلاق فقط با مردان می باشد.

سازی از جریانه های مذهبی جامعه ماسر صریحا به برابری زن و مرد در تمام زمینه ها اعتراف نمی کند. بعضی از آنها، مثل سخت آزادی و سکرانی که مدعی آزادیخواهی نمی باشند، در مواردی که به جد پسای شریعت و احکام مذهبی پیش می آید مثل فاسقون ارث، حق طلاق و ... سکوت معنی داری می کنند. حتی دکتر علی شریعتی که یک روشنفکر مذهبی و مدافع آزادی بود، در این مورد با تناقض به توجه نامراسری می بردارد و در کتاب اسلام شناسی خود می نویسد: "آن چه مسلم است آنست که از زمان مصلحان و اندیشمندان بزرگ تاریخ، که تا سالها باور رانیده اند به مساوی در او بر سر می ایستد. محمد (ص) تنها کسی است که جدا به سر نوشت زن برداخته و حشمت انسانی و حق سق اجتماعی وی را به او بر داده است. اعطای حق مالکیت فردی، استقلال اقتصادی زن و در عین حال منع بد ساختن مرد به نامس زدگی وی به گونه ای که حتی برای شتر دادن کودک می تواند حق خویش را از شترین مطالبه کند، و سر بعهده پرداخت صبره، - اگر چه امروز آن را منظور می دانند - بنامیده شخصیت زن و سر بیستوانه اقتصادی در جهت نامس آینده وی بریده است و تبعیض مساوی حقوقی و مذهبی او با مردان از عواطفی است که به زن را در جامعه سنجید و در برابر مرد، که همواره می خواند است برتری مطلق مستندانه داشته باشد، مستقل ساخته است. در عین حال که با تبعیضات موجود میان زن و مرد به شدت مبارزه می کند، به طرفستدار تبعیض است و به معتقد به مساوی، بلکه می گوید تا در جامعه هریک را در جایگاه طبیعی خویش بنشانند. تبعیض را اجتناب می داد و مساوی را با درست طبیعت زن را به دست بر آورد می داد و به همانند مرد طبیعت این دورا در زندگی و اجتماع کمال بکنید سرشته است و از این روست که اسلام، برخلاف تمدن غرب، طرفدار اعطای حقوق ضمنی به این دواست به حقوقی مساوی و مشابه. و این سررکسین سخن است که در این باره می توان گفت."

ابوالحسن سی صدره نحو جالی تبعیض در مورد زنان را توجه می کند. وی در مورد تبعیض در سر کردن ارث، به این درو آن در می رسد تا ثابت کند که این تبعیض به در مورد زنان بلکه در مورد مردان است. بی صدر پس از یک سلسله استدلالات میان تهی این گونه وانمود می کند که اگر زنان نصف مردان ارث می برند، این برای آنان یک امتیاز است. به استدلال او که در نشریه انقلاب اسلامی در شماره ۲۱ فروردین ۱۳۶۶ چاپ شده، توجه کنید: "چرا زنان نصف مردان ارث می برند؟ حق این است که نه تنها زنان نصف مردان ارث نمی برند، بلکه در ارث نیز به زنان امتیاز داده شده است. در واقع زن از دوسر برابر مرد بی برتری است. اگر می برد، برابر با مرد حق در برابر تکلیف است. اما در باره زن در ارثی حقی برارث تکلفی مطرح نشده است. توضیح آن که، به شرح بالا، نه تنها مرد باید نفقه همسر و فرزندان را قبول کند، بلکه باید در ازای کار همسر، حقوق بپردازد. با او در درآمد خود شریک سازد. پس در واقع سهمی که می برد از آن او و همسر او فرزندان او یعنی یک خانواده است و باید صرف

هزینه بگردد! سهمی که زن از ارث می برد، به خود او تعلق دارد و زن صرف هزینه نمی کند. در جایی که این توضیح را می داد، کسی پرسید اگر این طور است چرا اسلام به زن بیشتر از مرد سهم داده است؟ این سار به نابرابری به سود زن اعتراض می شد! اما وقتی مسائل موضوع اشاره و توضیح در نظر گرفته شوند، آشکار می شود که امتیاز بی جایی به زن داده نشده است. زیرا گذشته از ضرورت تقسیم اجتماعی کار، در هر حال امکان کار زن، ۱۰ تا ۱۵ سال کمتر از مرد است و صرف این زمان طولانی در تعلیم و تربیت نوزندان جبران می طلبد. یکی از جبرانه ها، همین سهمی است که از ارث می برد. به خصوص که تحول واقعی روابط اجتماعی، امری طولانی است. به تدریج باید مساوی استقلال مالی زن محکم گردد تا بتواند با استقلال بیشتری، همسر انتخاب کند. مناسب ترین راه برای رها کردن زناشویی از قید فشار عوامل اقتصادی، تا سس هر چه بیشتر استقلال مالی زن است."

درین نیروهای مذهبی جامعه، سازمان مجاهدین خلق برابر زن و مرد را به عنوان یک اصل قبول دارد و در مواردی مثل ارث و طلاق نیز کاملا از عدم تبعیض و برابری کامل دفاع می نماید. حضور فعال و گسترده زنان رزمنده و شجاع آزاده های بانس نازدهای عالی فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی و هم چنین حضور آنان در سطح مسئول و سازمانده سازمان مجاهدین تا کاند بر دیدگاه آنان نسبت به برابری زن و مرد می باشد. بریم رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانی که به مناسبت ۸ مارس در تاریخ اول اسفند ۱۳۶۷ بر ستاد، بر طرح شورای ملی مقاومت مبنی بر برابری زن و مرد تاکید کرد. در این پیام آمده است: " طرح شورادر باره آزادیها و حقوق زنان به حق انتخاب آزادانه زن در زمینه های مختلف - از انتخابات عمومی گرفته تا انتخاب آزادانه هر شغل و مقام و حق هر گونه فعالیت سیاسی و اجتماعی ناحق انتخاب آزادانه لباس و پوشش - گواهی می دهد و روح استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات و فعالیتهای آموزشی و تحصیلی و ورزشی و هنری صحه می گذارد. طرح شورا، دولت موقت آینده راه حمایت از سازمانهای داوطلبانه زنان در سراسر کشور موظف می سازد. حق طلاق برای زن و مرد مساوی است. زن و مرد در شهادت دادن و سرپرستی اولاد وارث یکسانند. چند همسری و تعدد زوجات اساسا ممنوع است. هر گونه بهره کشی و استثمار جنسی از زن تحت هر عنوان شرعی و غیر شرعی ممنوع شناخته شده و همه رسوم و قوانین ارتجاعی بسند خمینی علیه زن و مقرراتی که طبق آن زن یا دختری را تحت هر عنوان برای تمنع جنسی یا بهره کشی بسند دیگران و اگذار می کنند یا می فروشند لغو گردیده است."

درین نیروهای سیاسی غیر مذهبی جامعه مانسر جنبه حقوقی برای رفع تبعیض به طور ساده تر مورد نایید قرار می گیرد، اما در بخش هایی از این نیروها و به خصوص در جریانه های "ملی گرا" و طرفداران شاه، موارد بسیاری از حقوق دموکراتیک زنان، مثل حق برابر در طلاق و حق برابر در ارتقا و حق برابر در قضاوت مورد نایید قرار نمی گیرد. در عمل بسیاری از نیروهای غیر مذهبی مثل عقب افتاده ترین نیروهای مذهبی





جامعه، عمل می‌کنند نیروهای مدعی مارکسیست بودن در برنامه های خود از رفع تبعیض جنسی دفاع می‌کنند، ولی نقش و دخالت زنان در این نیروها ناچیز و کمیت و کیفیت شرکت آنان در سطحی است که ناشی از روحیه مردسالارانه ذرائع جریانه است. این مساله نشان می‌دهد که مساله تبعیض جنسی چه ابعاد وسیع و چه عمقی در جامعه دارد. بنابراین مبارزه زنان برای برابری حقوقی، با مردان دارای اهمیت بسیار برای جنبش زنان است. زنان کشور باید یکی از اساسی ترین مبارها برای بررسی نیروهای سیاسی کشور را موضع آنان در قبال وضع قانون علیه تبعیض جنسی بدانند. باید توجه داشت که وضع قوانین ضد تبعیض جنسی، به معنی خاتمه یافتن کار نیست. در بسیاری از کشورها با این قوانین علیه تبعیض جنسی وجود دارد، اما این قوانین در عمل، در موارد متعددی توسط خود زنان، به صورت مخفانه با اشکال مختلف نقض می‌شود. بدین جهت باید که وضع قوانین علیه تبعیض جنسی راه را برای برابری کامل زنان می‌کند ولی ناتفخیر در روابط اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی، مبارزه زنان ادامه خواهد یافت.

### زن و روابط اجتماعی

از هنگامی که روابط پدرسالاری جانشین روابط مادرسالاری شد، زن در جامعه عملاً وظیفه کار در خانه را به عهده گرفت. به دنبال آن زن خانه نشین شد و به صورت ملکی درآمد که "حاصل"ش تولیدیچه بود. نقش زن در جامعه و زندگی اجتماعی موجود، قرون وسطی تاریخ ترین دوران در این زمینه بود. اما رشد روابط سرمایه داری و احتیاج به نیروی کار و سپس رشد فرهنگ جامعه و این که زنان به تدریج وارد بازار کار می‌شوند، مساله شرکت و مداخله زن در روابط اجتماعی را به شدت مطرح کرد و این خودیانه و ریشه مبارزه زنان برای برابری حقوقی با مردان شد. در این راه زنان بسیاری پیشتر از مبارزه برای برابری با مردان شدند و در اثر این که جامعه اساساً بر پایه پدرسالاری است، ایده‌های پیشرفته آنان را نداشت، آنان شجاعانه و باید عرض شود نوجوانان و تحقیرها، به مبارزه برای آزادی زنان مبادرت می‌ورزیدند. در واقع پدرسالاری ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن دستاورد بزرگ مبارزه زنان در دور آن معاصر بود. از آن به بعد زنان هر چه بیشتر در روابط اجتماعی شرکت نمودند و اکنون تقریباً در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی، کم و بیش مداخله دارند. در این حوزه و تا آنجا که به زنان مربوط می‌شود، باید توضیح کرد که روحیه استقلال و برابری طلبی هنوز به شدت ضعیف است. اگر از جامعه خودمان شروع کنیم، می‌بینیم که در مسائل اجتماعی در دوران زنان و از جانب خود آنان یک مرز با مردان کشیده می‌شود. وقتی در حوزه اجتماعی وقت طور واقعی زن نبود را موجودی مستقل و برابر با مرد نداند، شرایط برای اعمال تبعیض بیشتر فراهم می‌شود. نباید فراموش کرد که رژیم کمونیستی هم از سرکوب و هم از این نقطه ضعف زنان برای اعمال تبعیض جنسی استفاده می‌کند. زنی که در دوران، خود را "ضعیفه" و "مستحق تبعیض" بداند، نمی‌تواند برای برابری را بدست آورد. زنی که بعضی اقدامات را برای مرد درست و برای زن نادرست می‌داند،

از مردی که چنین می‌اندیشد ارتجاعی تر است و مردی که این گونه می‌اندیشد، از مرد دیگری که همین امر را برای همه نادرست می‌داند، ارتجاعی تر است. و تا وقتی که در جامعه، انسانها، صرف نظر از جنس (والیته صرف نظر از مذهب، ملیت، نژاد)، به عنوان انسانهای مستقل و برابر، مورد برخورد قرار گیرند، مبارزه زنان ادامه خواهد یافت. در زمینه های اجتماعی، به علت احتیاج جامعه به زنان زمینه برای کسب برابری فراهم تر است و اگر زنان خود را موجودی مستقل و برابر بدانند، می‌توانند موفقیت‌های زیاد دست آورند.

### زن و خانواده

خانواده قدیمی ترین نهادهای جامعه بشری و پایدارترین آنهاست. از آن جا که ادامه زندگی مستلزم روابط خانوادگی زن و مرد است. این رابطه طبیعی ترین رابطه اجتماعی است. هنگامی که این رابطه بر محور رابطه دوانسان برابری و حقیقتاً مجزا از جنس طبیعت و به مثابه یک رابطه داوطلبانه انسانی قرار گیرد این رابطه خانوادگی نمی‌تواند سالم و بازنده باشد. رابطه زن با مرد در خانواده پس طبیعی بودن آن، پیچیده ترین رابطه است. این رابطه در طول تاریخ و از پیدایش نهاد خانواده، همواره مملو از تبعیض و نابرابری بوده است. دختری که برای سر کردن شکم خود باید شوهر کند، بازار "ترشیده شدن" و "پدر دختر" شدن می‌ترسد، یا بر اساس قراردادهایی که در آن "عشق" جایی ندارد وارد زندگی خانوادگی می‌شود. خود به وجود تبعیض در خانواده محه می‌گذارد و به روحیات مردسالاری در خانواده میدان می‌دهد. به همین گونه که نهاد خانواده یک نهاد ضروری و طبیعی جامعه است، رفع تبعیض در این نهاد به انسانی ترین خانواده و جامعه منجر خواهد شد. زن برای وارد شدن به محیط خانواده باید قبل از این که به سنتها، قوانین، ضروریات و نهادها بندید، به "عشق" بندید و پس از آن با "عشق" وارد مناسب خانوادگی شود. در روابط خانوادگی نیز زن باید این ایده دیرین که باید "تابع" مرد بود یاد مرد شود. فراتر رود و دارای مناسبات برابر و متقابل باشد. باید - سیمون دو بووار، زن نویسنده شجاع فرانسوی - کتاب "جنس دوم" در این مورد می‌گوید: "در این محیطها، انتخابها، رضایتها، عدم قبولها نباید نهادها، قراردادهای، منافع، فرمان ببرد. اگر دلاست همان سیاق عملی که خود محرک می‌شوند نباشد. کار انسان به دروغها، کژیها و نقضها می‌انجامد. برای برابری زن و مرد در این رابطه نه از جنبه حقوقی، بلکه در عمق آن چنین جمع بندی می‌کند: "یکی نمی‌تواند در دیگری حل شود. این عشق باید از مناسبات متقابل است که باید ماهیت رابطه دوحسی آزاد را تعیین کند." (در همان کتاب). وی سپس جوهر این رابطه یعنی عشق را چنین بیان می‌کند: "عشق می‌تواند و باید مبادله آزاد دوحستی که هر یک دیگری را کفایت می‌کند باشد." مسلم است که پذیرش این اصول در روابط خانوادگی مستلزم کار فرهنگی گسترده و غلبه بر بسیاری سنتهای ارتجاعی و عقب افتاده است. این نیز راهی بس طولانی و پیچیده و پررنج و از طرف

دیگر سازنده و رشدیابنده برای زنان است. در این مسیر البته باید در دفاع از مناسبات متقابل و برابر برای حق طلاق برابر برای زن و مرد مبارزه کرد. گرچه نباید طلاق را تشویق نمود، اما نباید آن را به مثابه یک "تابو" و یک اقدام زشت و نفرت انگیز برای زنان تصویر نمود. جامعه، به طور طبیعی، زن طلاق گرفته را چشم بند نگاه می‌کند. این جامعه نسبت به مرد مثابه هرگز چنین قفاوی ندارد. جقدر ننگین و نفرت انگیز است که کسانی که از حق برابر مرد و زن در مورد طلاق دفاع نمی‌کنند. به فقط این حق را به مردان می‌دهند، بلکه هنگامی که سراسر این حق نابرابر، مردی زن خود را طلاق می‌دهد، به زن بمثابه موجودی "تحقیر شده" و "طرشیده" نگاه می‌کند. استقلال اقتصادی برای زن اهرمی است که می‌تواند نه فقط به مناسبات برابر، آزاد و متقابل زن و مرد کمک کند، بلکه راه را برای غلبه بر بسیاری دردها و رنجهایی که جامعه مردسالاری بر زنان تحمیل می‌کند، می‌گشاید. زنی که خود را از قفس کار خاکی به ستاد وظیفه اصلی، رها نشود، رسی که خود را از بند این ساله که وظیفه او تولید مثل است و لاغری، رها نمود، رسی که توانست استقلال اقتصادی دست آورد و در جامعه خود را حقیقتاً برابر با مردان دانست، زنی که در عرصه قوانین حقوقی، توانست هر گونه تبعیض جنسی را لغو نماید، زنی که در عرصه مبارزه سیاسی و اجتماعی فعالانه و به طور برابر با مردان وارد عرصه فعالیت شد و سراسر شایستگیها و تواناییهای خود در مقابله با مرد مسئولیت قبول نمود، این زن می‌تواند از زن مثابه خود که نتوانسته این حقوق و موقعیتها را بدست آورد، بهتر متعلق شود. و بر این عشق نه از نقطه ضعف و احتیاج بسک طرفه، بلکه از نقطه قدرت و برای تمامی رابطه متقابل تاکید نماید. چنین زنی هرگز خود را اسیر تحکیمات رسیا، که با واقعیات سخت همخوانی ندارد، نمی‌کند و بدین ترتیب می‌تواند به عنوان یک عضو جامعه سران ناتسردگانه و در جهت تغییر آن به مسامت مسالمتی که "انسان" را حاکم نماید، مبارزه کند. سرانجام چنین زنی می‌تواند، در صورتی که ضرورت احباب کند برای اهدات عالی بشری یعنی برای رهایی انسان از "عشق خود" بگذرد تا آنگاه بدون ندرتها، قراردادهای، نهادها و سنتهای بازدارنده رشد بشری بتواند عشق بورزند.

### زن و فرهنگ جامعه

بدون تغییر در فرهنگ عقب افتاده یا غلبه عقب افتاده فرهنگی در جامعه پیشرفته نمی‌توان به طور قطعی و نهایی بر تبعیض جنسی غلبه کرد. فرهنگ ارتجاعی و سنی، سببترین سبب راه برابری زن و مرد است. این فرهنگ ارتجاعی و سنی که ریشه‌های عمیق در جامعه دارد، بسیاری از قوانین ضد تبعیض جنسی را خنثی و واراده زنان برای خیزش و حرکت در جهت رفع تبعیض را به بند می‌کشد. در جامعه ما فرهنگ سنتی ریشه‌های عمیق دارد. فرمهای سال ۱۲۴۱ شاه که برای رفع بحران اقتصادی - سیاسی رژیم صورت گرفت، ریشه‌های شرکت بیشتر زنان را در فعالیتها، اقتصادی و اجتماعی فراهم ساخت و تعداد زیادی از زنان

## در رسانه‌های خبری جهان

ارم‌فچه ۶

علیرغم سرکوب داخلی، اعتراضات در ایران جایی برای سکوت نگذاشته‌اند. در مدت ۱۸ ماه گذشته، ۳۰۰ تظاهرات، اعتصابات و آکسیونهای اعتراضی در شهرهای بزرگ و متوسط ایران رخ داده است. مشهد سومین شهر بزرگ کشور در ۸۰۰ کیلومتری شرق پایتخت، در ژوئن ۹۲ شاهد بزرگترین تظاهرات اعتراضی ۱۰ سال اخیر بر علیه حکومت بود.

تظاهرات از یک منطقه آلونک نشین آغاز شدند، سپس تظاهرکنندگان خمگین به مراکز حکومتی و مراکز قوای انتظامی و پلیس مخفی و شهرداری حمله نمودند. مدت ۲۴ ساعت شهر همدان در زمان انقلاب ۱۷۹۹ از تسلط قوای حکومتی آزاد شد. شعارهای که بیشتر

## "من قهرمان نیستم"

ارم‌فچه ۲

شود آخدا وجود دارد؟ "خواهم گفت نه" این سندان معنا نیست که سکر حق دیگران برای دادن پاسخ مثبت به این سوال هستم.

اشترن: چگونه می‌تواند مسئله شما خوانه باشد؟ رشدی: با "جنجال رشدی" می‌بایست همانگونه برخورد شود که با آپارتاید در آفریقای جنوبی. هر جا آفریقای جنوبی هاسر و کله‌شان پیدا می‌تواند آنها سوال می‌گردید: آپارتاید چه شد؟ به آنها یاد آوری می‌شد و این آنان را عذاب می‌داد. این امروز هم ملاحار این عذاب خواهد داد. زیرا با او برخورد حتی خودکامان نیز دوست دارند محبوب باشند، می‌خواهند دوستان بدانند. اشترن: چه علاقه‌ای می‌تواند غرب داشته باشد که به جای نفت درباری شما با ایران مذاکره کند؟

رشدی: مسئله فقط به من مربوط نمی‌شود. کسی که از من حمایت می‌کند، همچنین از یک ایده هم دفاع می‌نماید. ایده آزادی بیان و در این رابطه از تمامیت یک فرهنگ و از ایرانی هاکه بیش از همه تحت رژیم ایران رنج می‌کشند.

اشترن: و اگر غرب شما را فراموش کند چه؟ آنا زاسن ترس ندارید که به حال خود رها شوید؟

رشدی: من تصمیم گرفته‌ام که ترسم زیرا اگر ترس داشته باشم برای طرف مقابل پیروزی است. می‌توانم حتی دیگر ترسید اگر به رنده دادن یک نفر کمک کند، حتی زمانی که دلایل خوبی هم برای وحشت داشتن وجود داشته باشد. و من قهرمان نیستم، باور کنید.

ترجمه: نازک

دسامبر ۱۹۹۲

درنگش و توزیع  
آثار سازمان  
بکوشید

از همه شنیده می‌شد "مرگ بر رفسنجانی" بود. ولی حکومت برای عکس العمل انتظار نکشید. هفته بعد از آن ۳۰ تظاهرکننده بدون برخورداری از کمترین بروسه فنیایی در ملاحام اعدام شده‌اند.

دولت مجاهدس را متهم به سازماندهی موج آکسیونهای اعتراضی و تظاهرات کرده است. سرزودی اعدام ریدان ساسی و قتل اعضا، اپوزیسیون در داخل کشور و اقدامات تروریستی در خارج کشور چند برابر شد. در ۵ ژوئن یک سو، فصد وسیله بمب گذاری علیه دفتر محاهدس و یکی از مسئولین آنها در استانبول انجام گرفت. اکثر قربانیان ربوده شد و جسد او در حومه شهید گردید.

منظر مباح دینیمانک خارجی در تهران، اکسیر تظاهراتی مشابه مشهد در تهران اتفاق یافتند منجر به سقوط حکومت می‌شود. حاکمان اسراخوبی درک کرده و از آن وحشت دارند. بدین دلیل فرمانده

## مبارزه زنان برای برابری

ارم‌فچه ۹

جذب تولد شدند. اما به دلیل ماهت ساختار سیاسی رژیم این حقوق عقب نمانده و نتوانست بر بنیادهای جامعه سنتی و نهادهای فرهنگی ارتجاعی غلبه و آن را نابود کند. تا قدرت گیری استبداد مذهبی خمینی و نابودی عناصر رشد یافته فرهنگ جامعه این عناصر ارتجاعی تقویت و بر عقب تبعیض جنسی افزوده می‌شود. فرهنگ و سنتهای ارتجاعی علیه زنان در جامعه ما از خانواده شروع و به تمامی جامعه گسترش می‌یابد. پدر و مادر برای فرزندان پسر حقوقی قائلند و این حقوقی را حق طبیعی و مسلم آنان می‌دانند در حالی که برای فرزندان دختر ذره‌ای از این "حقوق مسلم و طبیعی" را قائل نیستند. در جامعه به طور روزمره زنان به خاطر اقداماتی که مردان به مثابه یک امر "طبیعی" بدان دست می‌زنند، مورد تحقیر قرار می‌گیرند. زن خوب از نظر فرهنگ سنتی جامعه زنی است که کارخانه را خوب انجام دهد، فرزندان زیاد و سالمی بدینا آورد، محسب را برای آرامش مرد در خانه آماده سازد. زنی که تحت سلطه چنین فرهنگی قرار گرفته و این فرهنگ را پذیرفته است، بستگی به موفقیت طبقاتی خود، این وضع را به نوعی توجیه می‌کند، زن در فرهنگ سنتی جامعه همیشه تابع محض مرد است و حرکات زندگی، به خصوص مسائلی را که در خروج از خانه برایش پیش می‌آید، باید تماماً به اطلاع مرد برساند. عقب افتاده ترستن اقرار بخش سنتی جامعه، حتی زنان خود را، در جلوی دیگران، نه به نام خودشان بلکه به نام فرزند سزرگ برشان مورد خطاب قرار می‌دهند، زن در چنین فرهنگی باید به خود بقبولاند که آن چه برایش پیش آمده، "طبیعی" و "منطقی" است و بنابراین "تسلیم" است به رضای "خدا" و شوهر که باید همه چیزش را در خدمت او قرار دهد. زنان این بخش از جامعه نباید حرفهای بزرگتر از دهان خود بزنند و به کار بزرگ ترها (مردان) یعنی تمام کارها به استثنای کارخانه و بچه دارشدن و بچه بزرگ کردن دخالت کنند. "تضعیف" بودن، مشخصه زن در این بخش از جامعه است که البته جبرزمنان خواهد کرد.

سیاه یاسداران باید ۲۰۰۰ سنجی "ایدئولوژیک" را که از سرکوبگرترین عناصر رژیم هستند در خود جذب کند.

بزرگداشت رفسنجانی توان حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را ندارد. تیرا را اسناده از سرکوب، از هیچ وسیله‌ای برای روبرویی با خواسته‌های مردمی در اختیار ندارد. اینک وقت آن است که همدان در خواست اخیر مسعود رجوی از دبیرکل ملل متحد. جامعه بین المللی عکس العمل نشان بدهد.

نلی فراستی

زیر نویس: (۱) ایران چهارمین تولید کننده نفت جهان است.



و پیشرفت فرسنگ عمومی جامعه و تاثیرات مسمازه سیاسی و اجتماعی در این بخش و سر سنسراسی که در جامعه در رابطه با زن به وجود آمد. هر چند از تمام مردم درونی این بخش برخاسته و وارد می‌شود. اما اسرا خود اسرا جای خواهد گذاشت. در محافل سخن برنخواهد جامعه مافراد دارد که در حرف برابری حقوقی و مورد راقبول دارد و به میزانی که شرایط کل جامعه اجازه می‌دهد، در عمل نیز موارد سمار از اس برای راسه رسمیت می‌شناسد. نکته مهم این است که اسرا بخش و بخش سنتی جامعه در این زمینه، ماهر و شناسا حاکم است. این امر نشان دهنده عقب رساله تبعیض جنسی در جامعه ما و تسلط فرهنگ عقب افتاده در آن است. مع الوصف مردان این بخش برای زن در تمام زمینه‌ها همان حقوقی را قائل هستند که برای مردان. زنان کشور ما باید از این فرهنگ ترفیخواهانه جامعه دفاع کنند حتی منافع زنان سنتی جامعه در دفاع از این فرهنگ است. امروز بخش قابل توجهی از زنان جامعه شهری مابه اشکال مختلف علیه رژیم مبارزه می‌کنند. قوانین و مقررات رژیم را به سخره می‌گیرند و هر کجا که بتوانند علیه بیدادگرهای رژیم آخوندی به اقدام مستقیم دست می‌زنند. این مبارزه در جنبه مقاومت و در جهت تقویت فرهنگ برنخواه جامعه است. ولی این که بسیاری از زنان به طور دقیق به اسرا واغند نباشند و عنا بر این فرهنگ برنخواه برشان روشی نباشد. اما فرما که با سرنگونی رژیم آخوندی شرایط دموکراتیک در جامعه ما ایجاد خواهد شد و مبارزه زنان برای رفع تبعیض جنسی و برابری با مردان در عرصه‌های مختلف شکل اجتماعی سازمان یافته به خود خواهد گرفت. در جدال برای نابودی فرهنگ سنتی و عقب افتاده جامعه، زنان از تحریکات مبارزه در شرایط کنونی و از رشدی که در جامعه نبوده‌اند، به مثابه یک سرمایه بزرگ استفاده خواهند کرد. مبارزه زنان در عرصه حقوقی، به علت این که مقاومت انقلابی از پیش تمامی قوانین که در آن تبعیض جنسی وجود دارد، ملغی شده اعلام داشته، پیشرفت محسوسی خواهد داشت. اما در زمینه تغییر فرهنگ جامعه راهی طولانی در پیش خواهد بود که حمایت از این مبارزه و اعتراض زنان کشور و دامن زدن بدان، آن را کوتاه خواهد کرد.

زینت میرهاشمی

# شهدای فدائی

از صفحه ۱۲

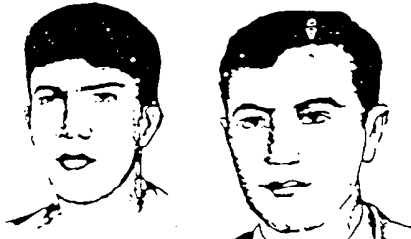
اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر موید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفائی فراهانی - جلیل انفرادی اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عرقی شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - نامرصد دلیل صفایی - مسسا بیژن زاده - بهام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر - نیستانی - احمد غلامان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر بیجیه شاهی - محمد علی معتقد - جواد غفوریان - جلیسل حواری نسب - سعید عقیقی - علی خلغی - عبدالرحیم صبوری - تمجور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهر خوس بها - الدین نگهداری - خسرو فدائی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی محتسب خرم آبادی - منصور حبیبی زاده -

ابن رفقا طی سالهای ۲۹ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیم های شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند -

## برخی از رویدادهای تاریخی

در صفحه ۱۱

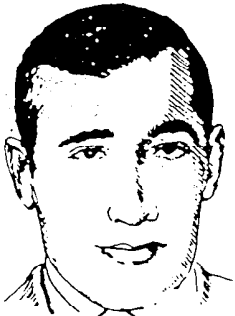
خارجی از ۲۰ فوریه تا ۲۰ مارس  
 ۲۶ فوریه ۱۸۴۸ - انتشار مانیفست حزب کمونیست کسه بوسنله مارکس وانگلس نوشته شده است -  
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - اختراع اولین چاپخانه در جهان بوسنله کونتسبرگه آلمانی  
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - تولد روزالوکراسیورگه  
 ۱۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس  
 ۱۴ مارس ۱۸۸۳ - درگذشت کارل مارکس، برجسته ترین اندیشمندان تاریخ معاصر و رهبر بزرگ پرولتاریای جهان  
 ۲ مارس ۱۹۱۹ - تشکیل کنگره موسس انترناسیونال سوم  
 ۲۱ فوریه ۱۹۳۴ - شهادت اکستوسر اربانیدیس، از رهبران جنبش انقلابی نیکاراگوئه توسط گارد ملی دولت ارتجاعی حاکم در نیکاراگوئه  
 ۴ مارس ۱۹۵۳ - درگذشت ژوزف استالین  
 ۱۴ مارس ۱۹۵۴ - آغاز نبرد دین بین فوتوسط انقلابیون ویتنام علیه نیروهای تجاوزگر فرانسوی  
 ۲۲ فوریه ۱۹۶۵ - ترور مالکوم ایکس از هیران جنبش ساهان امریکا  
 ۲۷ فوریه ۱۹۷۷ - تأسیس جمهوری دموکراتیک عربی صحرای باختری توسط جنبه آزادیبخش پولیساریو  
 اول مارس ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بایی ساندز در زندانهای انگلیس که منجر به شهادت او گردید -  
 ۴ مارس ۱۹۸۵ - اعتصاب یکساله کارگران معدن زغال سنگ در انگلیس بدون توافق با دولت خانم تاجریایان یافت - این یک شکست برای جنبش کارگری انگلیس و آغاز عقب نشینی های بعدی این جنبش بود -



فدایی شهید  
 رفیق شماع الله مشیدی رفیق صید دلیل صفایی



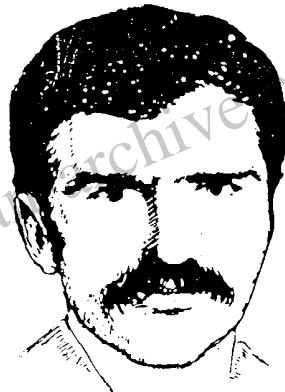
فرمانده کبرتم جنگل رفیق صفائی فراهانی



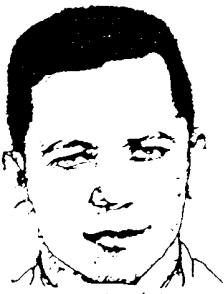
فدایی شهید عباس دانش بهزادی



فدایی شهید رفیق اسماعیل سعیدی



فدایی شهید هوشنگ نیری



فدایی شهید  
 رفیق محدث قندچی



فدایی شهید  
 رفیق بنده خدا لنگرودی



فدایی شهید  
 رفیق اسکندر رحیمی



فدائی شهید  
 رفیق غفور حسن پور



فدایی شهید  
 رفیق هادی فاضلی



فدایی شهید  
 رفیق احمد فرهودی



فدایی شهید  
 رفیق جلیل انفرادی

**اخبار و رویدادها....**

ترور روزنامه نگار ترک  
توسط تروریست های رژیم

روز شنبه ۲ بهمن امسال تروریست های رژیم جمهوری اسلامی، اوغور مومجو، روزنامه نگار ترک را ترور نمودند. از همان ابتدا، محافل مترقی ترکیه، رژیم خمینی را مسئول این ترور اعلام کردند. روز ۷ بهمن مراسم تشییع جنازه مومجو با شرکت دهها هزار نفر از مردم ترکیه در انکار برگزار شد به گزارش رادیو بی بی سی در این مراسم "شعارهای بسیاری علیه جمهوری اسلامی داده شد" و "شدت احساسات مردم به اندازه ای است که وزیر کشور ایران عبدالله نوری که در حال حاضر از ترکیه سدار می کند ناگزیر شد عکس العمل نشان دهد". (رادییو بی بی سی - ۷ بهمن ۷۱) این مراسم انعکاس وسیعی در مطبوعات و رسانه های خبری جهان داشت و این رسانه ها جنگی رژیم آخوندی را مسئول این ترور اعلام کردند.

ملاقات مسئول شورای ملی مقاومت با وزیر فرهنگ عراق

روز چهارشنبه ۱۴ بهمن امسال مسئول شورای ملی مقاومت ایران آقای سعود رجوی با وزیر فرهنگ و تبلیغات عراق آقای حامد یوسف حمادی ملاقات نمود. در این ملاقات در مورد مسائل مهم جهانی و منطقه ای بحث و تبادل نظر صورت گرفت. آقای سعود رجوی در این دیدار تاکید نمود رژیم خمینی تهدید اصلی برای صلح و آرامش در این منطقه از جهان است.

استرداد تروریست های رژیم به سوئیس

رادیو امیریکادریترانه روز ۲۲ بهمن امسال گفت: "یک دادگاه فرانسه با استرداد دو ایرانی به سوئیس

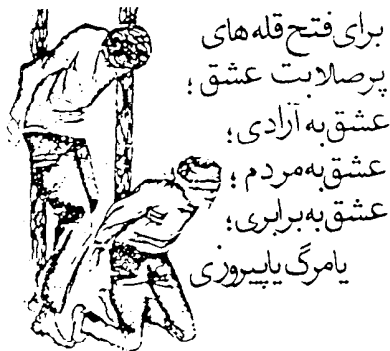
در صفحه ۳

**برخی از رویدادهای تاریخی**

اسفند ماه

- داخلی: ۱۲۹۹/۲/۳ - انجام کودتای امیرالموتی - انگلیسی توسط رضاخان با همکاری سید ضیاء الدین طباطبائی
- ۱۲۲۹/۱۲/۲۹ - روز ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور
- ۱۳۳۱/۱۲/۲۹ - شکست کودتای دربار شاه و نوکرانش آخوند سبهبانی، آخوندکاشانی و دکتر نقاشی علیه دولت ملی دکتر محمدی
- ۱۳۳۲/۱۲/۲۴ - به آتش کشیدن کربلای بورشده سراسری، در روزنامه نگار مترقی توسط مزدوران رژیم محمد رضا شاه
- ۱۳۳۲/۱۲/۲۷ - درگذشت علی اکبر دهنخدا، نویسنده و ادیب بزرگ و مولف دهخدا
- ۱۳۳۲/۱۲/۱۷ - امضاء قرارداد دو جانبه نظامی بین آمریکا توسط رژیم محمد رضا شاه
- ۱۳۳۲/۱۲/۱۲ - درگذشت دکتر محمد مصدق
- ۱۳۳۸/۱۲/۱۱ - نظاره های مردم تهران در رابطه با انبوهی رانی
- ۱۳۵۲/۱۲/۲۳ - شهادت مجاهد خلق - سرگرد حبیبی افسرانغلاسی ارتش
- ۱۳۵۷/۱۲/۲۸ - یورش به مردم سمنج و آغا سرکوب جنبش مردم کردستان توسط رژیم خمینی
- ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ - برگزاری انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی
- ۱۳۵۸/۱۲/۲۴ - اعلام خبر شهادت چهار ستاره خلق ترکمن توماج، محتوم، واحدی و جرجانی
- ۱۳۶۱/۱۲/۲۴ - کشتار تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در زندان رشت بدنبال ایجاد آتش سوزی در این زندان توسط مزدوران رژیم خمینی
- ۱۳۶۲/۱۲/۸ - درگذشت غلامحسین بنان، خواننده بزرگ و اسناد موسیقی ایرانی
- روزهای تاریخی
- ۸ مارس - روز همبستگی بین المللی زنان

در صفحه ۱۱



برای فتح قله های  
پر صلابت عشق؛  
عشق به آزادی؛  
عشق به مردم؛  
عشق به برابری؛  
یامرگ یایی روزی

شهادت فدایی  
اسفند ماه

د تعطیل می گزید

کیمستان

۱۳ نفر مهاجم

بلسکاد سیاهکل

تیر باران شدند

خورد

کعبان - ۲۶ اسفند ۶۹

رفقا:

- رحیم سماعتی - مهدی اسحاقی - سعود احمدزاده
- عماد مفتاحی - عبدالله مفتاحی - مجید احمدزاده
- مهدی سوالویی - حمید سوکلی - غلامرضا گلویی - بهمن
- آزنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان - پلنگه -
- صاف فلکی - علیرضا نابدل - بحی امین نسا - جعفر

در صفحه ۱۱

**NABARD\_E\_KHALGH No 93**  
ORGAN OF THE  
ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAI GUERRILLAS.  
**20 feb 1993**

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

با کمک های مالی خود سازمان را در  
انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم مبینان مبارز:  
سازمان ما برای گسترش مبارز مسلحانه ای انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.  
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیماً به دیت ما برسانید و بابت حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

**حساب بانکی**

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک  
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک  
03760 کد گیشه  
00050097851 شماره حساب  
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب

دانمارک

HOVIAT  
POST RESTANTE  
MIMERS GADE 118  
N  
2200 DANMARK

آمریکا

HOVE YAT  
P.O BOX 3332  
RESTON, VA 22090  
U.S.A

فرانسه

NABARD  
B.P 20  
91350 GRIGNY CEDEX  
FRANCE

آلمان غربی

P.L.K  
Nr. 039999 D  
5000 KOLN 1  
W - GERMANY